



دوره‌ی مقدماتی آموزش

زبان جدید و بین‌المللی اسپرانتو (Esperanto)

مورد تصویب و تأیید یونسکو جهت معرفی و آموزش در کلیه‌ی  
مدارس و دانشگاه‌های جهان

مدرس: مهندس احمدرضا ممدوحی، سرنماینده‌ی «سازمان جهانی اسپرانتو»  
(دارای روابط رسمی با سازمان ملل متحد و یونسکو) در ایران

ویرایش هشتم: شهریور 1399

## مقدمه

### تفاوت اصلی زبان‌های ملی با زبان‌های بین‌المللی



در آموزش زبان‌های ملی  
(مانند زبان انگلیسی،  
فرانسوی یا ...)

معلم به شاگردان:  
"از همه‌ی شما انتظار دارم  
افرادی متفکر، مستقل، نوآور،  
خلاق و نقاد باشید و دقیقاً  
همان چیزی را بگوئید، که من  
می‌گویم!"

خلاقیت، تعمیم و نوآوری که در زبان‌های ملی یا طبیعی، همیشه با محدودیت و ناکامی روبرو می‌شوند، در زبان‌های فراساخته و طراحی‌شده، مورد تحسین و تشویق قرار می‌گیرند و به ذهن و روش تفکر فرد پر و بال داده و نظم و ترتیب و منطق را بر ذهنیت فرد حاکم می‌گردانند. زبان‌شناسان متعددی در مورد تأثیر و تأثر متقابل ذهن و زبان، یا دیالکتیک اندیشه و زبان، پژوهش کرده‌اند و حتی زبان‌های جدیدی نیز، از جمله زبان لُگان برای آزمایش نظریات ایشان ساخته شده است.

اسپرانتو، که پُرمتکلم‌ترین زبان فراساخته‌ی جهان است، منطق‌ستانی است که هرگونه قیاس و تعمیم منطقی در آن تشویق و تحسین می‌شود و دقیقاً به همین دلیل، همان‌طور که پروفیسور کلود پیرون<sup>1</sup>، روانشناس و اسپرانتودان سوئسی به آن پرداخته است، کسانی که زبان اسپرانتو را تا حد خوبی فرا می‌گیرند، دل‌سپرده‌ی آن می‌گردند و از استفاده کردن و/یا گسترش دادن آن لذت می‌برند.

<sup>1</sup> Claude Piron

## آوائی نبودن الفبای فارسی و انگلیسی

موارد مشکل زای الفبای فارسی (نوشتن زبان فارسی با الفبای عربی):

کرم؟؟؟	کِرم	!?!?	سرم؟؟؟	سَرَم
	کَرم			سِرْم
	کَرَم			سُرْم
	کُرم			
	کُرْم			

موارد مشکل ساز الفبای فینگیلیش/پینگیلیش (نوشتن زبان فارسی با الفبای انگلیسی)

فینگیلیش	فارسی	!?!?	فینگیلیش	فارسی
Neshaste???	نشسته		Madar???	مادر
	نشاسته			مدار
Avaz???	آواز		مَدَر	
	عوض			

## آوائی بودن صددر صد الفبای اسپرانتو

### 1- حروف صدادار

در اسپرانتو تنها 5 حرف صدادار وجود دارد، که هر کدام از آن‌ها همیشه و فقط دارای یک صدای ثابت و کاملاً مشخص هستند:

a	e	i	o	u
اَ	اِ	ئِی	اُ	او
ab	erade	irad	omr	dur

برای مقایسه، در زبان انگلیسی نیز تنها همین 5 حرف صدادار وجود دارند، ولی این 5 حرف در انگلیسی حدود 30 صدای مختلف دارند - یعنی به طور متوسط هر کدام از آن‌ها 6 صدای گوناگون دارد!

در اسپرانتو، حتی هنگامی که دو یا چند حرف صدادار کنار یک دیگر هم قرار گیرند، صدای هر کدام از آن‌ها کاملاً حفظ می‌گردد و به هیچ وجه در هم دیگر ادغام نمی‌شود:

ia	ie	io	ii	iu	iai
ئِی اَ	ئِی اِ	ئِی اُ	ئِی ئِی	ئِی او	ئِی ائی

تمرین خواندن حروف صدادار

a o u e u i o a i u e  
ae oi ea ia ua oa oe ou uo io iu  
aeo ieo ieo uao oiu uea aeu eio uei oae eao

### بخش یا سیلاب

در زبان اسپرانتو هر کلمه همیشه و دقیقاً به تعداد حروف صدادار آن (یعنی حروف a, e, i, o, u)، دارای سیلاب یا بخش است، برای مثال، estas دارای دو سیلاب، و paperoj دارای سه سیلاب است.

در زبان های ملی، مانند فارسی و انگلیسی، هر کلمه به تعداد صداهای آن (و نه حروف صدادار آن)، دارای «بخش» یا «سیلاب» است، مثلاً «آبادان» دارای سه بخش یا سیلاب است (آ با دان)، و beautiful نیز در انگلیسی دارای سه سیلاب است (ul if beaut) - هر چند دارای 5 حرف صدادار است!

/ˈbju:t əf (ə)l/ (یا دو سیلاب!)

به همین دلیل، کلمات زیر، که در آن ها فقط حروف صدادار به کار رفته است، به تعداد حروفشان دارای سیلاب یا بخش هستند:

کلمات دوسیلابی (دو حرف صدادار دارند)

ia	ie	io	ii	iu
ئی آ	ئی اِ	ئی اُ	ئی ئی	ئی او

کلمات سه سیلابی (سه حرف صدادار دارند)

iae	ieu	ioi	iii	iui	iai
ئی آ اِ	ئی اِ او	ئی اِ ئی	ئی ئی ئی	ئی او ئی	ئی آ ئی

### آکسان، تکیه یا استرس

در بسیاری از زبان ها، مانند فارسی، انگلیسی و اسپرانتو، کلماتی که دارای بیش از یک سیلاب هستند، یکی از سیلاب های آن ها با «آکسان» یا «تکیه» تلفظ می شود، یعنی نسبت به سیلاب (های) دیگر آن کلمه، قدری قوی تر و قدری کشیده تر ادا می شوند.

قواعد مربوط به این که در زبان فارسی یا انگلیسی آکسان روی کدام سیلاب هر کلمه قرار می‌گیرد، مشتمل بر چندین صفحه است، و هر کدام از آن‌ها نیز دارای استثناهای زیادی است. ولی در اسپرانتو، طبق یکی از قواعد 16 گانه‌ی آن:

### «آکسان همیشه بر روی سیلاب ماقبل آخر هر کلمه است.» (قاعده‌ی 10 ام اسپرانتو)

یعنی: در کلمات دوسیلابی آکسان روی سیلاب اول است

ia	ie	io	ii	iu
ئی‌آ	ئی‌اِ	ئی‌اُ	ئی‌ئی	ئی‌او

در کلمات سه‌سیلابی آکسان روی سیلاب دوم است

iae	ieu	ioi	iii	iui	iai
ئی‌آاِ	ئی‌اِاو	ئی‌اِئی	ئی‌ئی‌ئی	ئی‌اوئی	ئی‌آئی

در کلمات چهارسیلابی آکسان روی سیلاب سوم است

iaae	aieu	oioi	eiii	aiui	uiai
ئی‌ئی‌آاِ	آئی‌اِاو	اِئی‌اِئی	ئی‌ئی‌ئی‌ئی	آئی‌اوئی	اوئی‌آئی

و به همین ترتیب برای کلمات بزرگ و بزرگ‌تر ... (پنج سیلابی، شش سیلابی ...)

### اسم حروف بی صدا

همان‌طور که از نام این حروف پیداست، تا آن‌ها را با حرف صداداری ترکیب نکنیم، نمی‌توانیم صدای آن‌ها را تولید کنیم. در فارسی و انگلیسی قاعده‌ی خاصی برای نامیدن این حروف وجود ندارد، برای مثال در فارسی نام حرف ب، بی است، در صورتی که نام حرف ج، جیم، و اسم حرف ک، کاف است... به همین ترتیب، در انگلیسی نیز، نام حرف b، بی است، در حالی که اسم حرف m، ام، و نام حرف q، کیو است و ... ولی در زبان اسپرانتو این امر نیز، قاعده‌مند است: از آن‌جا که در زبان اسپرانتو تمامی اسامی به حرف اُ (o) ختم می‌شوند، مانند tablo (میز)، muro (دیوار)، و amo (عشق)، و ... اسم حروف بی صدا نیز به اُ (o) ختم می‌گردد، مثل:

b	k	s	t	f	r
bo	ko	so	to	fo	ro
بُ	کُ	سُ	تُ	فُ	رُ

## الفبای اسپرانتو

(حروف داخل خانه‌های تیره، 5 حرف صدادار اسپرانتو هستند)

{حروف رنگی، 6 جفت حرفی هستند که یکی از آنها کلاه‌دار است}

اسم	تلفظ	حرف	اسم	تلفظ	حرف
a	ا	a	ko	ک	k
bo	ب	b	lo	ل	l
co	تس	c	mo	م	m
ĉo	چ	ĉ	no	ن	n
do	د	d	o	ا	o
e	ا	e	po	پ	p
fo	ف	f	ro	ر	r
go	گ	g	so	س	s
ĝo	ج	ĝ	ŝo	ش	ŝ
ho	ح	h	to	ت	t
ĥo	خ	ĥ	u	او	u
i	ئی	i	ŭo	و (لب‌گرد به بیرون)	ŭ
jo	ی	j	vo	و (دندان‌ها به لب پائین)	v
ĵo	ژ	ĵ	zo	ز	z

حرف X به جای کلاه حروف

در جایی که دست‌رسی به حروف خاص و کلاه‌دار اسپرانتو وجود ندارد، حرف X - که در الفبای اسپرانتو وجود ندارد - را می‌توان به جای کلاه حروف کلاه‌دار اسپرانتو، پس از حرف مربوطه قرار داد:

ŭ = ux	ŝ = sx	ĵ = jx	ĥ = hx	ĝ = gx	ĉ = cx
noŭ	Ŝohre	Ĵila	ĥane	ĝuĝe	aĉar
noux	Sxohre	Jxila	hxane	gxugxe	acxar
نُو	شهره	ژیلا	خانه	جوجه	آچار

همان طور که گفته شد، در زبان اسپرانتو:

«آکسان همیشه بر روی سیلاب ماقبل آخر هر کلمه است». (قاعده‌ی 10ام اسپرانتو)

تمرین خواندن کلمات دوسیلابی ( آکسان روی سیلاب اول)

<u>estis</u>	<u>estas</u>	<u>estos</u>	<u>finis</u>	<u>finas</u>	<u>finos</u>	<u>fin</u> a
<u>ĵeti</u>	<u>ĵeto</u>	<u>ĵetos</u>	<u>ĵetas</u>	<u>ĵetis</u>	<u>ĵetu</u>	kaŭzo
<u>lerni</u>	<u>lernas</u>	<u>lernos</u>	<u>legi</u>	<u>legas</u>	<u>kovri</u>	<u>kovros</u>

تمرین خواندن کلمات سه سیلابی ( آکسان روی سیلاب دوم)

<u>instrui</u>	<u>instruis</u>	<u>ekzistas</u>	<u>karega</u>	<u>vortaro</u>	<u>afabla</u>
<u>Londono</u>	<u>Tehrano</u>	<u>paperoj</u>	<u>prefere</u>	<u>redakti</u>	<u>signifo</u>
<u>aĉeti</u>	<u>maŝino</u>	<u>panerojn</u>	<u>prepari</u>	<u>regulo</u>	<u>sinjoro</u>

تمرین خواندن کلمات چهار سیلابی ( آکسان روی سیلاب سوم)

<u>instruisto</u>	<u>lernantino</u>	<u>Esperanto</u>	<u>akvopl<sup>ena</sup></u>	<u>Volapuko</u>	<u>melodio</u>
-------------------	-------------------	------------------	-----------------------------	-----------------	----------------

تمرین خواندن کلمات پنج سیلابی ( آکسان روی سیلاب چهارم)

<u>instruistino</u>	<u>telev<sup>idilo</sup></u>	<u>Esperant<sup>isto</sup></u>	<u>vegetar<sup>ano</sup></u>	<u>aviad<sup>ilo</sup></u>	<u>lokomotivo</u>
---------------------	------------------------------	--------------------------------	------------------------------	----------------------------	-------------------



## تمرین مفصل خواندن

معنی آن	تلفظ آن	کلمه دوسیلایی اسپرانتو
انسان، بشر	هَمْ	homo
رُز، گل سرخ	رُز	rozo
پول	مَنْ	mono
پیراهن (زنانه)	رُب	robo
طلا	اَر	oro
قلب، دل	کَر	koro
ساعت (واحد زمان)	هَر	horo
خواب	دَرْم	dormo
درب	پَرْد	pordo

### دو یا چند حرف بی صدا کنار یکدیگر

در برخی از کلمات اسپرانتو دو یا سه حرف بی صدا در ابتدای آن‌ها قرار دارد؛ از آن‌جا که چنین امری در هیچ‌یک از کلمات فارسی - و یا عربی - وجود ندارد، در ابتدا شاید تلفظ این‌گونه کلمات برای ما فارسی‌زبانان سخت بنماید، ولی با اندکی تمرین، می‌توان در نحوه‌ی تلفظ این نوع کلمات نیز مهارت لازم را پیدا کرد:

معنی آن	تلفظ‌های غلط آن	تلفظ صحیح آن	کلمه دوسیلایی اسپرانتو
پیشاهنگ	اِسکَلْت، سِکَلْت	سِکَلْت	skolto
أجاق	اِسْتَو، سِتَو	سِتَو	stovo
کُره	گَلْب، کَلْب	گَلْب	globo
سنگ	شِتَن، اِشِتَن	شِتَن	ŝtono
طوفان	شِتْرْم، اِشِتْرْم	شِتْرْم	ŝtormo
پارچه	شِتْف، اِشِتْف	شِتْف	ŝtofo
تاج	کِرْن، کُرْن	کِرْن	krono

وجود چند حرف بی صدا کنار یکدیگر ممکن است در وسط یا انتهای کلمات اسپرانتو نیز باشد، مانند:

معنی آن	تلفظ‌های غلط آن	تلفظ صحیح آن	کلمه دوسیلایی اسپرانتو
تعداد	نمِبِر، نُمِبِر	نُمِبِر	nombro



سایه	اُمْبِرُ	اُمْبِرُ	ombro
صدف	اُسْتِرُ	اُسْتِرُ	ostro

### حرف O و کلمات سه سیلابی که با آن ساخته می شوند

معنی آن	تلفظ آن	کلمه سه سیلابی اسپرانتو
رنگ	کُلُرُ	koloro
بو	اُدُرُ	odoro
دستور، امر	اُردُنُ	ordono
موتور	مُتَرُ	motoro
راننده، شوفر	شُفَرُ	šoforo
کمد	کُمُدُ	komodo
(گاز) اُزون، اوزون	اُزُنُ	ozono
فُسُفر (عنصر)	فُسُفَرُ	fosforo
ستون	کُلُنُ	kolono
لندن (پایتخت انگلستان)	لُنْدُنُ	Londono

### دو یا چند حرف بی صدا کنار یکدیگر

معنی آن	تلفظهای غلط آن	تلفظ صحیح آن	کلمه سه سیلابی اسپرانتو
آغوز (شیرِ اولِ مادر)	کُلُسْتِرُ	کُلُسْتِرُ	kolostro

### حرف O و کلمات چهار سیلابی که با آن ساخته می شوند

معنی آن	تلفظ آن	کلمه چهار سیلابی اسپرانتو
سلیمان	سُلْمَنُ	Solomono
دریادار (درجه‌ی نظامی)	کُمُدُرُ	komodoro

### حرف a و کلمات دوسیلابی که با آن ساخته می شوند

معنی آن	تلفظ آن	کلمه دوسیلابی اسپرانتو
نان	پانُ	Pano
ساک، کیسه	ساکُ	Sako
شِن	سابلُ	sablo

آب	اَكُو	akvo
پدر	پاتِر	patro
آواز	كانَت	kanto

### دو یا چند حرف بی صدا کنار یکدیگر

معنی آن	تلفظهای غلط آن	تلفظ صحیح آن	کلمه دوسیلابی اسپرانتو
شاخه، شعبه	بِرانچ	بُرانچ	branĉo
برادر	فِرَات	فُرَات	frato
گل	فِلر، فُلر	فُلر	floro
گیاه	پِلانَت	پُلانَت	planto
طرف، رو	فِلان ک	فُلان ک	flanko

### حرف a و کلمات سه سیلابی که با آن ساخته می شوند

معنی آن	تلفظ آن	کلمه سه سیلابی اسپرانتو
موز	بانان	banano
رباعی	رَبای	robajo
پرتقال	اُرانج	oranĝo
مرغابی، اردک	اَناس	anaso
رایحه، بوی خوش	اَرَم	aromo

### دو یا چند حرف بی صدا کنار یکدیگر

معنی آن	تلفظهای غلط آن	تلفظ صحیح آن	کلمه سه سیلابی اسپرانتو
معدده	اِسْتِماک	سْتِماک	stomako
خواهر	فِرَاتین	فُرَاتین	fratino

### حرف a و کلمات چهار سیلابی که با آن ساخته می شوند

معنی آن	تلفظ آن	کلمه چهار سیلابی اسپرانتو
آناناس	اَناناس	ananaso
دستگاه، آپارات	اَپارات	aparato

سمندر	سالامان در	salamandro
-------	------------	------------

حرف e و کلمات دوسیلابی که با آن ساخته می‌شوند

معنی آن	تلفظ آن	کلمه‌ی دوسیلابی اسپرانتو
رؤیابافی، خیال‌پردازی	رو	revo
حقیقت	ور	vero
زمین	تر	tero
بذر	سم	semo
نوزاد، کودک	بب	bebo

دو یا چند حرف بی‌صدا کنار یکدیگر

معنی آن	تلفظ‌های غلط آن	تلفظ صحیح آن	کلمه دوسیلابی اسپرانتو
شکم	ون تر	ون تر	ventro
خارج (از)	اکس تر، اکس تر	اکس تر	ekster
پیاز	تس پ	تس پ	cepo
هدف	تس ل	تس ل	celo

حرف e و کلمات سه‌سیلابی که با آن ساخته می‌شوند

معنی آن	تلفظ آن	کلمه‌ی سه‌سیلابی اسپرانتو
شیر (حیوان)	ل ان	leono
خرگوش صحرائی	ل پر	leporo
گنجشک	پاسر	pasero
سیب‌زمینی	ترپم	ter-pomo
تره‌بار (سبزیجات)	ل گم	legomo
سربت (دسر میوه‌ای یخی)	شربت	šorbeto

دو یا چند حرف بی‌صدا کنار یکدیگر

معنی آن	تلفظ‌های غلط آن	تلفظ صحیح آن	کلمه سه‌سیلابی اسپرانتو
روشن‌فکری	کلرتس	کلرتس	klereco
لرزش (مداوم)	ترماد	ترماد	tremado

ستاره‌ی کوچک	سِتِلِتْ، سِتِلِتْ	سِتِلِتْ	steleto
پنجره	فَنِسِ تَر	فَنِسِ تَر	fenestro
کره‌ی زمین	تِرِ گِلِبْ، تِرِ گِلِبْ	تِرِ گِلِبْ	ter-globo
آمستردام (پایتخت هلند)	اَمِسْتِرِ دَام	اَمِسْتِرِ دَام	Amsterdamo

حرف e و کلمات چهارسیلابی که با آن ساخته می‌شوند

معنی آن	تلفظ آن	کلمه‌ی چهارسیلابی اسپرانتو
اسپرانتو	اِسپِرَانِتْ	Esperanto
تلفن	تِلِفَن	telefono
اینترنت، شبکه‌ی جهانی	اینْتِرِنِتْ	Inter-reto

معنی آن	تلفظ آن	کلمه‌ی دوسیلابی اسپرانتو
وسیله، ابزار	ئِیْل	ilo
(فرزند) پسر	فِیْل	filo
مرد	وِیْر	viro
تخت‌خواب، بستر	لِیْت	lito
ماهی	فِیْش	fiŝo
پرند	بِیْرِد	birdo
گلابی	پِیْر	piro
کشتی	ئِشِپ	ŝipo
کتاب	لِیْبِر	libro
لب	لِیْپ	lipo

دو یا چند حرف بی‌صدا کنار یکدیگر

معنی آن	تلفظ‌های غلط آن	تلفظ صحیح آن	کلمه دوسیلابی اسپرانتو
انگشت	فِیْنِ گِر	فِیْنِ گِر	fingro
قو	تِسیگن، سِیگن	ئِسیگن	cigno
رانندگی کردن، هدایت کردن	اِسْتِیْ رِی، سِیْ رِی، سِیْ تِیْ رِی	سِیْ رِی	stiri
دانستن	اِسْتِسیْ ای، سِیْ تِسیْ ای، سِیْ تِسیْ ای	سِئِسیْ ئِی	scii
زبان	لِیْنِگِو	لِیْنِگِو	lingvo

## نوشتن فارسی با الفبای اسپرانتو: فارسانتو (Farsanto)

از آن جاکه در اسپرانتو صدای آ وجود ندارد، برای نشان دادن این صدا در فارسانتو، به طور قراردادی از حرف لاتین **y** - که در الفبای اسپرانتو وجود ندارد - استفاده می‌کنیم:

ybr	sybr	dyr	sryamyd	pyrynde	sywab
آبر	صبر	در	سرامد	پرنده	سراب

A	Ā	Y	Ā
---	---	---	---

تمرین فارسانتو:

avaz	آواز	yvyz	عوض	vyzan	وزان
sad	صاد	syd	صد	syrdar	سردار
myd		mad		dymavynd	
ynar		anra		rysa	
nader		nydar		dara	
madyr		mydar		damyn	
Symane		mystane		Myhsa	
syrdar		syrdyr		sader	
ysyr		asar		sywab	

حروف خاص فارسانتو (که در اسپرانتو وجود ندارند)

y	w	q	حروف غیر اسپرانتو:
أ (فتحه)	ع یا و (ایستِ حلقوی)	ق، غ	استفاده برای:
نسیم، أحمد	معشوق، رؤیا	غنیمت، قامت	مثال:
Yhmyd, Nysim	rowja, mywsuq	qamyt, qynimyt	

آبادان	آبر	عشق	ایراد	عمرأ	نورانی
zihad	syd	eradi	iman	soŭqat	sur

dadyn	kym	gereftyn	mewmari	dolme	quq
fyravan	kymakan	ettefaq	qir	Sohrab	qoqnus
damdari	dyqiqe	emruz	dirġuŝ	mordab	bustan
manai	mywni	mandyni	fynanapyzir	qormesybzi	qu
qafije	ywmal	Symane	hyjati	ewmal	quri
رها	ثمر	صدايت	ويدئو	مرتبط	كوره راه
كاهدان	اثر	صداقت	اين طور	زُلف	فولاد
عاشق	معشوق	عشق	عشقى	عشاق	عاشقانه
ساربان	نوا	ارتباط	گاهى	گنبد	درپوش
عارف	فوراً	عرفان	ديدنى	عُرف	معروف
سامانيان	سندج	بسامان	ديرينه	عُرفا	پشمينه پوش

اشعار زير را بخوانيد و با الفباى فارسى بنويسيد:

Zendegi ĉizi nist, ke lybe taqĉeje adyt, yz jade myno to beryvyd.	
Yz ĉe del-tyng ŝodi? Delĥoŝi-ha kym nist: myslyn in ĥorŝid, kudyke pysfyrd, kyftyre an-hyfte!	
Ĉe yhymmijyt daryd, <b>gah</b> ygyr mirujynd qarĉ-haje qorbyt?	
Vy ĉenan bi-tabym, ke delym miĥahyd bedyvym ta tyhe dyŝt, beryvym ta syre kuh.	

Dur-ha avaist, ke myra miňanyd.	
Qytre-ha dyr ġyrijan, byrf byr duše sokut, vy zyman ruje sotune fyqyrate gole jas.	
Ta ynari tyryki byr-midašt, dyst fyvvareje ħaheš mišod.	

اشعار زیر را به فارسانتو (فارسی با الفبای اسپرانتو) بنویسید:

	مژده بده، مژده بده، یار پسندید مرا، آینه در آینه شد: دیدمش، دید مرا.
	مژده‌ی وصل تو کو، کز سر جان برخیزم، طایرِ قدسم، از دام جهان برخیزم.
	در همه دیر مغان، نیست چو من شیدائی، جامه جائی گروی باده و دفتر جائی.

لطفاً پس از نوشتن پاسخ‌های خود، آن‌ها را با پاسخ‌های زیر مقایسه و تصحیح کنید

Mojde bede, mojde bede, jar pysyndid myra, Ajne dyr ajne šod: didymyšo, did myra.	پاسخ‌ها:
Dyr hyme dejre moqan, nist ċo myn šejdai, Ġame ġai geroje bade vo dyfty ġai.	Mojdeje vysle to ku, kyz syre ġan byr-ħizym, Tajere qodsymo yz dame ġyhan byr-ħizym.



## زبان اسپرانتو

### آشنائی با چند کلمه

Kiu?	کی، چه کسی (نام یا ضمیر را می پرسد)	est.i*	بودن (مصدر فعل، یا فعل بدون زمان)
mi	من	est.is* *	بود (فعل زمان گذشته)
vi	تو، شما	est.as**	هست (فعل زمان حال)
ŝi	او (مونث)	est.os**	خواهد بود (فعل زمان آینده)
li	او (مذکر)		

### نکات گرامری

\* پایانه ی --i نشاندهی مصدر (یا فعل بی زمان) است، مثل:

est.i	بودن، هستن، استن	instru.i	درس دادن	leg.i	خواندن، مطالعه کردن
ven.i	آمدن	lern.i	یاد گرفتن	skrib.i	نوشتن، نگاشتن

\*\* پایانه ی --is نشاندهندهی فعل زمان گذشته است، پایانه ی --as نمایان گر فعل زمان حال است و پایانه ی --os علامت فعل زمان آینده است. برای این که راحت تر در خاطر تان بماند:

<b>Pikaso</b>	<b>gitaro</b>
<b>Pi ka so</b>	<b>gi ta ro</b>
i a o	i a o
is as os	is as os
--is --as --os	--is --as --os
آینده حال گذشته	آینده حال گذشته

چند مثال:

--is	گذشته	--as	حال	--os	آینده
Mi est.is.	من بودم.	Mi est.as	من هستیم.	Mi est.os.	من خواهیم بود.
Mi ven.is.	من آمدم.	Mi ven.as.	من می آییم.	Mi ven.os.	من خواهیم آمد.
Li lern.is.		Li lern.as		Li lern.os	
Vi leg.is		Vi leg.as		Vi leg.os	
	شما نوشتید.		شما می نویسید.		شما خواهید نوشت.

	من درس دادم		من درس می دهم		من درس خواهم داد
--	----------------	--	------------------	--	------------------

### مکالمه

- Mi est.as Yhmydreza. Kiu est.as vi?  
- Mi est.as Saman\*.
- Kiu est.as li?  
- Li est.as Saman.
- Mi est.as Saman. Kiu estas vi?  
- Mi est.as Firuze
- Kiu est.as ŝi?  
- Ŝi est.as Firuze.

**Kiu?** (کی؟ چه کسی؟)

Yhmadreza, Saman, Firuze, ...

mi, vi, ŝi, li, ...

تمرین: پاسخ دهید

- 1- Kiu estas vi? Mi .....
- 2- Kiu estas ŝi? Ŝi .....
- 3- Kiu estas li? Li .....
- 4- Kiu estas mi? Vi .....

# Ĉu....? (آیا.....؟)

Jes, .....

آری، .....

Ne, .....

خیر، .....

- Ĉu mi est.as Yhmydreza?

- Jes, vi est.as Yhmydreza.

- Ĉu mi est.as Firuze?

- Ne, vi ne est.as Firuze. Vi est.as Yhmydreza.

تمرین: پاسخ دهید

1- Ĉu vi estas Hymide? Ne, mi .....

2- Ĉu li estas Ybbas? Jes, .....

3- Ĉu mi estas Edison(o)? .....

4- Ĉu ŝi estas Oriana Falaĉi? .....

# ....., ĉu ne? (آیا نه؟)

Jes, .....

آری، .....

Ne, .....

خیر، .....

تمرین: پاسخ دهید

1- Vi estas Yhmydreza, ĉu ne? Jes, mi .....

2- Li estas Ybbas, ĉu ne? Ne, li .....

3- Ŝi estas Firuze, ĉu ne? .....

## نکات گرامری

\* مانند دیگر زبان‌هایی که با الفبای لاتین نوشته می‌شوند، در اسپرانتو نیز، علاوه بر حرف اول هر جمله، حرف نخست اسامی خاص نیز (اشخاص، اماکن جغرافیائی مانند کشورها، شهرها ...) با حروف بزرگ شروع می‌شوند، مثل:

- Saman, Tehrano, Londono, Mona, Dara, Viktoria,...

## آشنائی با چند کلمه

kio	چه چیزی، چی (چه کاره)		kiu	کی، چه کسی
pano		نان →	pan.ist.o*	نانوا
ofico	مقام دفتری/اداری	→	ofic.ist.o	کارمند

poŝto	پست	→	poŝt.ist.o	پستچی
instru.i	درس دادن	→	instru.ist.o	مدرس، معلم
lern.i	یادگرفتن	→	lern.ant.o**	شاگرد، فراگیرنده، محصل
leg.i	خواندن، مطالعه کردن	→	leg.ant.o	خواننده، مطالعه کننده
skrib.i	نوشتن، نگاشتن	→	skrib.ant.o	کسی که می نویسد (نویسنده)
aŭskult.i	گوش دادن به	→	aŭskult.ant.o	شنونده، گوش کننده

### نکات گرامری

\* پسوند **-ist-** برای ساختن شغل و حرفه به کار می رود.  
 \*\* پسوند **-ant-** برای ساختن فاعل زمان حال به کار می رود.

<b>Kio?</b>	<b>--o.</b>
<b>Kio?</b>	lern.ant.o, pan.ist.o, ... instru.ist.o, poŝt.ist.o, ...

### مکالمه

**Mi estas instru.ist.o. Kio estas vi?**

- Mi estas lern.ant.o.
- Kio estas li?
- Li estas lern.ant.o.
- Kio estas Kejvan?
- Li estas poŝt.isto.
- Kio estas Ymir?
- Ymir estas ofic.isto.

تمرین: پاسخ دهید

1- Kio estas vi? Mi

- 2- Kio estas mi? Vi
- 3- Kiu estas poŝtisto?
- 4- Kiu estas oficisto?
- 5- Kiu estas lernanto?
- 6- Kiu estas instruisto?
- 7- Ĉu vi estas poŝtisto?
- 8- Ĉu mi estas panisto?
- 9- Ĉu vi est.os instruisto?
- 10- Ĉu mi est.is lernanto?

### آشنائی با چند کلمه

lern.anto	شاگرد، محصل	→	lern.ant.in.o*	شاگرد، محصل (مونث)
instru.ist.o	معلم	→	instru.ist.in.o	خانم معلم
vir.o	مرد	→	vir.in.o	زن
ĉeval.o	اسب	→	ĉeval.in.o	مادیان
kok.o	خروس	→	kok.in.o	مرغ
palm.o	نخل	→	palm.in.o	نخل ماده/مونث

### نکات گرامری

\* پسوند --in- برای مونث (ماده) کردن انسان، حیوان و گیاه به کار می‌رود.  
- «یا» به اسپرانتو می‌شود aŭ (اُو)


تمرین: پاسخ دهید

- 1- Ĉu vi estas lernanto aŭ lernantino?
- 2- Ĉu mi estas instruisto aŭ instruistino?
- 3- Ĉu Gandhio estis viro aŭ virino?
- 4- Ĉu li estis instruisto?
- 5- Ĉu vi est.os instruisto?
- 6- Ĉu lernanto est.os instruisto?

### مکالمه



- Kio estas ŝi?
  - Ŝi estas lern.ant.in.o.
- Ĉu mi estas instru.ist.o?
  - Jes, vi estas instru.ist.o.
- Ĉu mi estas lern.anto?
  - Ne, vi ne estas lern.anto. Vi estas instru.ist.o.

آشنائی با چند کلمه

ĝi	آن (اشياء، حيوان، گياه)		hundo	سگ
seĝo	صندلی		tablo	میز
muro	دیوار		kato	گرهه
skrib.il.o	قلم		telefono	تلفن
pordo	درب		fenestro	پنجره
arbo	درخت		floro	گل

مکالمه

<p>- Kio estas ĝi?</p> <p>- Ĝi estas tablo.</p>	
<p>- Ĉu ĝi estas tablo?</p> <p>- Ne, ĝi ne estas tablo. Ĝi estas seĝo.</p>	
<p>- Ĉu ĝi estas seĝo?</p> <p>- Jes, ĝi estas seĝo.</p>	
<p>- Kio estas ĝi?</p> <p>- Ĝi estas tablo.</p>	

<p>- Kio estas ĝi? - Ĝi estas</p> <p>- Ĉu ĝi estas tablo?</p> <p>- Ĉu ĝi estas hundo?</p> <p>- Ĉu ĝi estas arbo?</p>	
<p>- Ĉu ĝi estas pordo? - Ne, ĝi ne estas ...</p> <p>- Ĉu ĝi estas arbo?</p> <p>- Kio estas ĝi?</p>	
<p>- Ĉu ĝi estas hundo? - Ne, ĝi ne estas ...</p> <p>- Ĉu ĝi estas pordo?</p> <p>- Kio estas ĝi?</p>	

آشنائی با چند کلمه

kia	چگونه (دارای چه صفتی)		la*	حرف تعریف معین (این، آن)
bon.a	خوب	→	mal.bona**	بد
grand.a	بزرگ	→	mal.grand.a	کوچک
alt.a	بلند، مرتفع	→	mal.alt.a	کوتاه، پست
bel.a	زیبا	→	mal.bel.a	زشت

نکات گرامری

\* هر اسمی که با این حرف تعریف معین بیاید، معرفه یا مشخص است، و اگر بدون آن باشد، نکره یا نامشخص/نامعین است، مثل:

tablo	میزی، یک میزی، یک میز (نامشخص)	→	la tablo	میز، آن میز، این میز (مشخص)
birdo	پرنده ای، یک پرنده ای، یک پرنده (نامعین)	→	la birdo	پرنده، آن پرنده، این پرنده (معین)



\*\* پیشوند - mal- برای متضاد ساختن معنی کلمه به کار می رود.



مکالمه

- Ĉu ĝi estas seĝo?
  - Ne, ĝi ne estas seĝo. Ĝi estas tablo.
- Kia estas la tablo?
  - La tablo estas alta/granda /bela/bona/...
  - La tablo estas mal.alta/mal.granda /mal.bela/mal.bona/...

تمرین: پاسخ دهید

<ul style="list-style-type: none"> <li>- Kio estas ĝi? - Ĝi estas</li> <li>- Kia estas ĝi?</li> </ul>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>- Ĉu ĝi estas alta?</li> <li>- Ĉu ĝi estas bela?</li> </ul>	

آشنائی با چند کلمه

salut.o.n	سلام (را) {به شما می گویم}	dank.o.n	تشکر (را) {به شما می گویم}
kiel	چطور	bone	بخوبی
farti	گذراندن (احوال)	nova	نو، جدید
Kiel vi fart.as?	حالتان چطور است؟	nov.aĵo	خبر (چیز تازه)
povi	توانستن	paroli	صحبت کردن، حرف زدن
tre	خیلی	baldaŭ	به زودی
kun	با، همراه (با)	ankaŭ	هم، همچنین، نیز
komenci	شروع کردن	tago	روز
hodiaŭ	امروز (قید زمان)	Bona.n tago.n!	روز خوبی را (برای تان می خواهم)!

مکالمه

- **Saluton Mina! Bonan tagon!**
  - o **Saluton Sara, bonan tagon. kiel vi fartas?**
- **Dankon, mi fartas bone. Kiel vi fartas?**
  - o **Ankaŭ mi fartas bone, dankon. Kian novaĵon (vi havas)?**
- **Giti hodiaŭ komencis lerni Esperanton.**

- Ĉu vere? Tre bone. Baldaŭ ni povos paroli Esperante ankaŭ kun ŝi.

تمرین: پاسخ دهید

- 1- Kiel vi fartas?
- 2- Ĉu vi fartas bone?
- 3- Ĉu vi povas paroli Esperanton?
- 4- Ĉu vi povas paroli Esperanton bone?
- 5- Ĉu vi komencis lerni Esperanton?
- 6- Ĉu vi baldaŭ (*bezudi*) povas paroli Esperanton bone?
- 7- Ĉu vi povas paroli kun (*ba*) mi Esperante?
- 8- Ĉu Esperanto estas bela lingvo (*zyban*)?

### نکات گرامری

#### اسم در اسپرانتو

در زبان اسپرانتو، اسم همیشه به پایانه ی --o ختم می شود، مانند:

ananas.o	آناناس	papag.o	طوطی	pom.o	سیب
piknik.o	پیک نیک	arb.o	درخت	flor.o	گل
bird.o	پرنده	sun.o	خورشید	orang.o	پرتقال
hom.o	انسان	am.o	عشق	mandarin.o	نارنگی
pir.o	گلابی	tabl.o	میز	klas.o	کلاس
kukum.o	خیار	seĝ.o	صندلی	kanari.o	قناری
frukt.o	میوه	vir.o	مرد	lun.o	ماه

#### صفت در اسپرانتو

در زبان اسپرانتو، صفت همیشه به --a ختم می شود، مثل:

bon.a	خوب	bel.a	زیبا	orang.a	نارنجی
grand.a	بزرگ	mal.bel.a	زشت	blu.a	آبی
mal.grand.a	کوچک	alt.a	بلند، مرتفع	blank.a	سفید
afabl.a	مهربان	mal.alt.a	کوتاه	mol.a	نرم
mal.afabl.a	نامهربان	flav.a	زرد	mal.mol.a	سفت، سخت
lun.a	قمری	ruĝ.a	قرمز	lum.a	روشن

sun.a	خورشیدی	am.a	عشقی	hom.a	انسانی
dolĉ.a	شیرین	acid.a	تُرش	bon.gust.a	خوش مزه

صفت و موصوف (اسم): -a --o

bon.a ananas.o	آناناسِ خوب
grand.a hom.o	انسانِ بزرگ
mal.grand.a bird.o	پرنده‌ی کوچک
afabl.a hom.o	انسان مهربان
alt.a arb.o	درخت بلند/مرتفع

خاصیت جابجائی صفت و موصوف

bon.a ananas.o = ananas.o bon.a	آناناسِ خوب
grand.a hom.o = hom.o grand.a	انسانِ بزرگ
mal.grand.a bird.o = bird.o mal.grand.a	پرنده‌ی کوچک
afabl.a hom.o = hom.o afabl.a	انسان مهربان
alt.a arb.o = arb.o alt.a	درخت بلند/مرتفع

ولی: تغییر پایانه = تغییر معنی

bon.a ananas.o	آناناسِ خوب	→	ananas.a bon.o	خوبیِ آناناس
grand.a hom.o	انسانِ بزرگ		hom.a grand.o	بزرگی/عظمت انسان
mal.grand.a bird.o			bird.a malgrand.o	
afabl.a hom.o			hom.a afabl.o	
arb.a alt.o			alt.a arb.o	

به سوالات زیر پاسخ دهید:

- 1- Ĉu pomo estas blua? – Ne, pomo ne estas blua. Pomo estas ruĝa.
- 2- Ĉu piro estas ruĝa?
- 3- Ĉu ananaso estas floro?
- 4- Ĉu kanario estas frukto?
- 5- Kio estas pomo?
- 6- Kia estas pomo?
- 7- Kio estas oranĝo?
- 8- Kia birdo estas kanario?
- 9- Ĉu kukumo estas blanka birdo?
- 10- Kio estas mandarino?
- 11- Kia frukto estas mandarino?

### نکات گرامری

#### جمع بستن اسم

در زبان اسپرانتو، برای جمع بستن اسم، همیشه از پایانه‌ی **-j** (ی) استفاده می‌شود، مانند:

ananas.o.j	آناناس‌ها	papag.o.j	طوطی‌ها	pom.o.j	سیب‌ها
piknik.o.j	پیک‌نیک‌ها	arb.o.j	درختان	flor.o.j	گل‌ها
bird.o.j	پرنده‌ها	sun.o.j	خورشیدها	orang.o.j	پرتقال‌ها
hom.o.j	انسان‌ها	am.o.j	عشق‌ها	mandarin.o.j	نارنگی‌ها

برخلاف فارسی و انگلیسی، در زبان اسپرانتو، صفت نیز جمع بسته می‌شود:

#### مطابقت پایانه‌های صفت با موصوف

در زبان اسپرانتو، همیشه پایانه‌ی صفت باید با پایانه‌ی اسم (موصوف) مطابقت داشته باشد (وقتی که اسم مفرد است، صفت آن نیز مفرد است، و هنگامی که اسم، جمع است، صفت آن نیز جمع بسته می‌شود. مانند:

grand.a bird.o	پرنده‌ی بزرگ	→	grand.a.j bird.o.j	پرنده‌های بزرگ (ها)
mal.grand.a arb.o	درخت کوچک		mal.grand.a.j arb.o.j	درخت‌های کوچک (ها)
grand.a am.o	عشق بزرگ	→		عشق‌های بزرگ (ها)
alt.a arb.o	درخت بلند			درخت‌های بلند (ها)

جاهای خالی را با پایانه/کلمات مناسب پر کنید:

ruĝ.... pom.o	سیب قرمز	ruĝ.... pom.o.j	سیب‌های قرمز(ها)
bel.... flor.o.j	گل‌های زیبا(ها)	bel.... flor.o	گل زیبا
grand.... orangĝ.o	پرتقال بزرگ	grand.... orangĝ.o.j	پرتقال‌های بزرگ(ها)
mol.... mandarin.o.j	نارنگی‌های نرم(ها)	mol.... mandarin.o	نارنگی نرم
blu.... tabl....	میز آبی	blu.... tabl....	میزهای آبی
dolĉ.... am....	عشق‌های شیرین	dolĉ.... am....	عشق شیرین
	نارنگی شیرین		نارنگی‌های شیرین
	قناری‌های زرد		قناری زرد

### نکات گرامری

#### پایانه‌ی مفعول مستقیم (را)

در زبان اسپرانتو، پایانه‌ی مفعول مستقیم (برابر با "را" در فارسی)، همیشه -n است، مانند:

ananas.on	آناناس را	papag.o.n	طوطی را	pom.o.n	سیب را
piknik.o.n	پیک‌نیک را	arb.o.n	درخت را	flor.o.n	گل را
bird.o.n	پرنده را	sun.o.n	خورشید را	orangĝ.o.n	پرتقال را
hom.o.n	انسان را	am.o.n	عشق را	mandarin.o.n	نارنگی را

پایانه‌ی مفعولی (-n) همیشه با افعال متعدی (گذرا) می‌آید. افعال متعدی یا گذرا - برخلاف افعال لازم یا ناگذرا - همیشه در پاسخ به "چه چیز را...؟" و/یا "چه کسی را...؟" دارای جوابی منطقی هستند، مانند:

manĝ.i	خوردن
Kio.n manĝ.i? Pom.o.n. manĝi.	چه چیز(ی) را خوردن؟ سیبی را خوردن.
vid.i	دیدن
Kio.n vid.i? Libr.o.n vidi.	چه چیز(ی) را دیدن؟ کتابی را دیدن.

در حالی که افعال لازم (ناگذرا) با پایانه‌ی مفعولی نمی‌آیند، چراکه در جواب به سوال "چه چیز را...؟" و/یا "چه کسی را...؟" دارای جوابی منطقی نیستند، مانند:

est.i	بودن
Kio.n est.i? ...!	چه چیز(ی) را بودن؟ ...!
ven.i	آمدن
Kio.n ven.i? ...!	چه چیز(ی) را آمدن؟ ...!

• اکثریت مطلق افعال در زبان‌ها، ناگذرا (متعدی) هستند، مانند: خواستن، نوشتن، بوسیدن، گرفتن، دادن، دریافت کردن، آوردن، خواندن... تنها تعداد بسیار کمی از افعال ناگذرا (لازم) هستند، مثل: شدن، گشتن، خندیدن، خوابیدن، اتفاق افتادن، پدیدار شدن ...

تمرین: در کدام یک از جاهای خالی باید n- گذاشت؟ (یعنی فعل جمله متعدی یا گذرا است؟)

- 1- Mi manĝas pomo...
- 2- Mi estas lernanto...
- 3- Ŝi trinkas akvo...
- 4- Ŝi estas lernanto...
- 5- Li vidas arbo...
- 6- Li estas instruisto...
- 7- Arbo... vidas ŝi.

## آشنائی با چند کلمه

maten.o	صبح	titol.o	عنوان (کتاب، فیلم، ...)
bonan matenon!	صبح به خیر	pri	راجع به، درباره ی
aĉet.i	خریدن	dev.i	بایستن (باید)
patr.o	پدر	lingv.o	زبان (مثل فارسی و اسپرانتو)
patr.in.o	مادر	mult.e	زیاد، بسیار زیاد
nov.a	نو، تازه، جدید	ripet.i	تکرار کردن
interes.a	جالب	vort.o	کلمه، واژه، لغت
ĝi.a	مال آن	fraz.o	فراز، جمله

## مکالمه

- **Saluton Dara! Bonan matenon!**
  - o **Saluton Nima, bonan matenon. kiel vi fartas?**
- **Dankon, mi fartas tre bone. Kaj vi?**
  - o **Ankaŭ mi fartas tre bone, dankon. Kian novaĵon?**
- **Hieraŭ mia patrino aĉetis novan libron por mi. Mi komencis legi ĝin. Ĝi estas tre interesa por mi.**
  - o **Ĉu vere? Tre bone. Kio estas ĝia titolo? Pri kio ĝi estas?**
- **Ĝia titolo estas "Kiel lerni lingvojn?". Ĝia titolo diras pri kio ĝi estas.**
  - o **Nu, kiel ni devas lerni lingvojn? Kion diras la libro pro tio?**
- **La libro diras, ke ni devas multe ripeti novajn vortojn kaj frazojn.**

تمرین: پاسخ دهید

- 1- Kiel fartis Dara kaj Nima?
- 2- Ĉu ili fartis bone aŭ tre bone?
- 3- Ĉu vi fartas bone aŭ tre bone?
- 4- Ĉu vi multe legas librojn?
- 5- Ĉu vi komencis legi Esperantajn librojn?
- 6- Ĉu vi baldaŭ (*bezudi*) povos legi Esperantajn librojn?
- 7- Ĉu vi ŝatas legi Esperantajn librojn?



به سوالات زیر پاسخ دهید:

- 1- Ĉu arboj estas altaj? – Jes, arboj estas altaj.
- 2- Kiaj estas papagoj?
- 3- Ĉu birdoj estas malbelaj?
- 4- Kio estas ananasoj?
- 5- Ĉu vi manĝas grandajn oranĝojn?
- 6- Ĉu vi vidas bonajn homojn?
- 7- Kian frukton vi manĝas?
- 8- Kiajn fruktojn vi manĝas?

تمرین: جاهای خالی را با پایانه‌های مناسب پر کنید:

- 1- Papagoj estas malgrand...
- 2- Li manĝas malgrand... bird...
- 3- Ananasoj estas frukt...
- 4- Grandaj hom... havas grand... am...
- 5- Arboj estas malalt...
- 6- Mi vidas malaltajn arb...
- 7- Ŝi manĝas grand... frukt...
- 8- Flav... seĝoj kaj blu... tabloj
- 9- Mi manĝis dolĉajn oranĝ.... .
- 10- Li vidas bon.... homojn.
- 11- Edisono estis grand.... Homo.

## جدول پایانه‌های یازده‌گانه‌ی اسپرانتو

هویتِ دستوری/گرامری هر کلمه توسط پایانه(ها)ی آن تعیین می‌گردد.

در جدول زیر با تمامی 11 پایانه‌ی موجود در زبان اسپرانتو آشنا می‌شوید:

پایانه	نشان‌دهنده‌ی	مثال 1	ترجمه‌ی مثال 1	مثال 2	ترجمه‌ی مثال 2
-o	اسم	arb.o	درخت	pom.o	سیب
-a	صفت	bel.a	زیبا، قشنگ	bon.a	خوب، نیک
-j	جمع (اسم یا صفت)	arb.o.j	درخت‌ها، درختان	pom.o.j	سیب‌ها
-e	قید	bel.e	به‌زیبائی	bon.e	به‌خوبی
-i	مصدر فعل	est.i	بودن، استن، هستن	vid.i	دیدن
-is	فعل گذشته	est.is	بود	vid.is	دید
-as	فعل حال	est.as	هست، است	vid.as	می‌بیند
-os	فعل آینده	est.os	خواهد بود	vid.os	خواهد دید
-u	امر	Bel.u!	زیبا باش/باشید!	Bon.u!	خوب باش/باشید!
-us	شرطی غیرممکن	bel.us	زیبا می‌بود	bon.us	خوب می‌بود
-n	را (مفعول بی واسطه)	arb.o.n	درخت را	pom.o.n	سیب را

به این ترتیب، و به این علت، در زبان اسپرانتو از هر ریشه‌ی کلمه، می‌توان کلمات زیادی ساخت، که احتیاجی به حفظ کردن معانی آن‌ها نیست، مثل:

پایانه	نشان‌دهنده‌ی	مثال 1	ترجمه‌ی مثال 1	مثال 2	ترجمه‌ی مثال 2
-o	اسم	manĝ.o	(وعده‌ی) غذا	san.o	سلامتی
-a	صفت	manĝ.a	غذائی، مربوط به غذا	san.a	سالم
-j	جمع (اسم یا صفت)	manĝ.o.j	(وعده‌های) غذا (ها)	san.o.j	سلامتی‌ها
-e	قید	manĝ.e	با غذا خوردن (غذاً)	san.e	به‌سلامت، به‌سلامتی
-i	مصدر فعل	manĝ.i	(غذا) خوردن	san.i	سالم بودن
-is	فعل گذشته	manĝ.is	(غذا) خورد	san.is	سالم بود
-as	فعل حال	manĝ.as	(غذا) می‌خورد	san.as	سالم هست
-os	فعل آینده	manĝ.os	(غذا) خواهد خورد	san.os	خواهد بود
-u	امر	Manĝ.u!	(غذا) بخور(ید)!	San.u!	سلامت باش/باشید!
-us	شرطی غیرممکن	manĝ.us	(غذا) می‌خورد (اگر ...)	san.us	سالم می‌بود (اگر ...)
-n	را (مفعول بی واسطه)	manĝ.o.n	(وعده‌ی) غذا را	san.o.n	سلامتی را

با تغییر پایانه‌ی هر کلمه، هویت دستوری آن تغییر می‌کند، برای نمونه، واژگان زیر از ترکیب ریشه‌های موجود در جدول بالا، با پایانه‌های مختلف، ساخته شده‌اند:

پایانه	نشان دهنده‌ی	مثال 1	ترجمه‌ی مثال 1	مثال 2	ترجمه‌ی مثال 2
-o	اسم	bel.o	زیبائی، جمال	vid.o	دید، دیدن (اسم)
-a	صفت	arb.a	درختی	vid.a	دیداری
-j	جمع (اسم یا صفت)	bel.o.j	زیبائی‌ها	vid.o.j	دیدن‌ها
-e	قید	arb.e	مثل درخت (درختاً)	vid.e	با دیدن
-i	مصدر فعل	arb.i	درخت بودن	bon.i	خوب بودن
-is	فعل گذشته	pom.is	سیب بود	arb.is	درخت بود
-as	فعل حال	bon.as	خوب است	bel.as	زیباست
-os	فعل آینده	bel.os	خوب خواهد بود	bon.os	خوب خواهد بود
-u	امر	Vid.u!	بین، ببینید!	Arb.u!	درخت باش/باشید!
-us	شرطی غیرممکن	arb.us	درخت می‌بود	vid.us	می‌دید (اگر ...)
-n	را (مفعول بی واسطه)	bel.o.n	زیبائی را	arb.o.n	درخت را

با تغییر پایانه‌ی هر کلمه، هویت دستوری آن تغییر می‌کند، مثال‌های زیر را ترجمه کنید:

مثال	ترجمه‌ی مثال	مثال	ترجمه‌ی مثال	مثال	ترجمه‌ی مثال
am.o		am.o.n		am.o.jn	
am.a		am.a libr.o		am.aj film.oj	
am.e		am.e vid.i		am.e parol.i	
am.u		am.u libr.o.n		am.u hom.o.jn	

با تغییر پایانه‌ی هر کلمه، هویت دستوری آن تغییر می‌کند، خانه‌های خالی را پر کنید:

مثال	ترجمه‌ی مثال	مثال	ترجمه‌ی مثال	مثال	ترجمه‌ی مثال
arb.a	درختی	pom.os	سیب خواهد بود	arb.is	
bel.o	زیبائی، قشنگی، جمال	bon.o	خوبی، نیکی، حُسن		خوب بود
est.o	وجود، بود، بودن	vid.o	دید	vid.os	
vid.e	به‌طور دیداری	vid.a	دیداری، بصری		دید

تمرین: خانه‌های خالی را پر کنید:

کلمه	معنی	کلمه	معنی	کلمه	معنی
manĝ.i	خوردن		خورد	manĝ.os	
trink.i	نوشیدن		نوشید	trink.as	
lern.i	یاد گرفتن		یاد گرفت	lern.os	
instru.i	درس دادن		درسی، آموزشی	instru.is	
dom.o	خانه		خانه‌ها را	dom.a	
vid.i		vid.u		vid.us	
manĝ.i	خوردن	manĝ.us		manĝ.u	

### ضمایر شخصی

ضمیر شخصی	معنی	ضمیر ملکی	ترجمه‌ی	ضمیر مفعولی	ترجمه‌ی
<b>Mi</b>	من	mi.a	مال من	mi.n	من را، مرا
<b>Vi</b>	تو، شما (مفرد)	vi.a	مال تو، مال شما	vi.n	تو را، شما را
<b>li</b> <b>ŝi</b> <b>ĝi</b>	او (مذکر)، او (مؤنث)، آن	li.a ŝi.a ĝi.a	مال او، مال آن	li.n ŝi.n ĝi.n	او را، آن را
<b>Ni</b>	ما	ni.a	مال ما	ni.n	ما را
<b>Vi</b>	شما (جمع)	vi.a	مال شما	vi.n	شما را
<b>Ili</b>	ها ایشان، آن	ili.a	ها مال ایشان، مال آن	ili.n	ایشان را، آن‌ها را

### ضمایر ملکی جمع، مفعولی و مفعولی جمع

ضمیر شخصی	معنی	ضمیر ملکی مفرد	ضمیر ملکی جمع	ضمیر ملکی مفعولی	ضمیر ملکی مفعولی جمع
<b>Mi</b>	من	mi.a	mi.a.j	mi.a.n	mi.a.j.n
<b>Vi</b>	تو، شما (مفرد)	vi.a	vi.a.j	vi.a.n	vi.a.j.n
<b>li, ŝi, ĝi</b>	او (مذکر)، او (مؤنث)، آن	li.a, ŝi.a, ĝi.a	li.a, ŝi.a.j, ĝi.a.j	li.a.n ŝi.a.n ĝi.a.n	li.a.j.n, ŝi.a.j.n, ĝi.a.j.n
<b>Ni</b>	ما	ni.a	ni.a	ni.a.n	ni.a.j.n
<b>Vi</b>	شما (جمع)	vi.a	vi.a	vi.a.n	vi.a.j.n

lli	ها ایشان، آن	ili.a	ili.a	ili.a.n	ili.a.j.n
-----	--------------	-------	-------	---------	-----------

پایانه(های) ضمائر (ملکی و/یا مفعولی مفرد یا جمع) با پایانه(های) اسمی که همراهشان می‌آید، باید مطابقت داشته باشد (دقیقاً همانند پایانه‌های صفت‌ها با موصوف‌ها). چند مثال:

عبارت	معنی	عبارت	معنی	عبارت	معنی
mi.a arb.o	درختِ من	vi.a bird.o	پرنده‌ی شما	ŝi.a bel.o	زیبائی/جمال او (مؤنث)
mi.a.n arb.o.n	درخت من را	vi.a.n bird.o.n	پرنده‌ی شما را	ŝi.a.n bel.o.n	زیبائی او را
mi.a.j arb.o.j	درخت‌های من	vi.a.j bird.o.j	پرنده‌های شما	ŝi.a.j bel.o.j	زیبائی‌های او
mi.a.j.n arb.o.j.n	درخت‌های من را	vi.a.j.n bird.o.j.n	پرنده‌های شما را	ŝi.a.j.n bel.o.j.n	زیبائی‌های او را

چند مثال دیگر در جمله:

عبارت	معنی
Mi.a arb.o est.as grand.a.	درختِ من بزرگ است.
Mi ŝat.as mi.a.n arb.o.n.	من درختم را دوست دارم.
Mi.a.j arb.o.j est.as bel.a.j.	درخت‌های من زیبا هستند.
Mi vid.as mi.a.j.n arb.o.j.n.	من درخت‌هایم را می‌بینم.

تمرین: خانه‌های خالی را پر کنید:

عبارت	معنی
Vi.a bird.o estas bel.a.	
Ĉu vi ŝat.as vi.a.n bird.o.n?	
Ŝi.a.j ananas.o.j estas mal.grand.aj.	
Ĉu ili hav.as grand.a.j.n pom.o.j.n?	
	من سیب‌های شما را خوردم.
	آیا شما گلابی‌های بزرگ را دیدید؟

## ساختار جمله

در اسپرانتو، کلمات در جمله ارزش مکانی ندارند، چراکه به خاطر وجود پایانه‌ها، هر کلمه در هر کجای جمله که قرار گیرد، پایانه - و در نتیجه هویت دستوری خود را - همراه دارد. بنابراین، هر جمله‌ی ساده را

(که دارای سه رکن اصلی فاعل، فعل و مفعول است) می‌توان شش جور متفاوت بیان کرد و معنی تمامی این شش جمله یکی است:

به مثال‌های زیر دقت کنید و خانه‌های خالی را نیز پر کنید:

Mi vidas vi.n. = Mi vi.n vidas. = Vi.n mi vidas. = ...	من می‌بینم شما را. = من شما را می‌بینم. ... =
Mi vidis li.n. = Vidis mi li.n. = Li.n vid.as mi. = ...	من دیدم او (مذکر) را. = دیدم من او را. ...
Ili vidos ni.n. = Vid.os ni.n ili. = Ni.n ili vidos. = ...	
Hom.o.j am.as bird.o.j.n.	
	طوطی‌ها گل‌ها را دوست دارند.
Grandaj hom.o.j ama.as afabl.a.j.n hom.o.jn.	
Bird.o.j vid.is flor.o.j.n.	
	پرندگان درختان را خواهند دید.

- برخی از قیده‌های ثابت، مانند **ankaŭ**، **nur**، و **almenaŭ** باید دقیقاً قبل از کلمه‌ای قرار گیرند که می‌خواهیم بر روی آن اثر بگذارند. به مثال‌های زیر توجه فرمائید:

<b>ankaŭ</b>	هم، همچنین، نیز، ...
<b>nur</b>	فقط، تنها، ...
<b>almenaŭ</b>	حداقل، دست‌کم، ...

<b>Nur mi vidis la piron.</b>	فقط من (آن) گلابی را دیدم. (نه کسان دیگری)
<b>Mi nur vidis la piron.</b>	من فقط دیدم (آن) گلابی را. (آن را نخوردم)
<b>Mi vidis nur la piron.</b>	من فقط (آن) گلابی را دیدم. (نه چیز دیگری را)
<b>Almenaŭ vi manĝu la panon.</b>	حداقل شما بخورید (آن) نان را. (اگر دیگران نمی‌خورند)

<b>Vi almenaŭ manĝu la panon.</b>	شما حداقل بخورید (آن) نان را. (اگر آن را نخریدید یا نیاوردید)
<b>Vi manĝu almenaŭ la panon.</b>	شما حداقل (آن) نان را بخورید. (اگر چیزهای دیگر را نمی خورید)
<b>Ankaŭ ŝi diris la veron.</b>	او هم حقیقت را گفت. (علاوه بر دیگران)
<b>Ŝi ankaŭ diris la veron.</b>	او حقیقت را (علاوه بر این که می دانست) همچنین گفت.
<b>Ŝi diris ankaŭ la veron.</b>	او حقیقت را هم (علاوه بر چیزهای دیگری که گفت) گفت.

تمرین: خانه های خالی را پر کنید:

عبارت	معنی
Ankaŭ vi.a bird.o estas bel.a.	
Vi.a bird.o ankaŭ estas bel.a.	
Vi.a bird.o estas ankaŭ bel.a.	
	من سیب های شما را هم خوردم (علاوه بر میوه های دیگرتان).
	من هم سیب های شما را خوردم (علاوه بر دیگران).
	سیب های تان را (جدا از این که برداشتم) هم چنین خوردم.

## آوندها (پیشوندها و پسوندها) Afiksoj (Prefiksoj kaj sufiksoj)

### پیشوندها

پیشوندها، همان‌گونه که از اسم‌شان پیدا است، پیش از ریشه‌ی کلمه قرار می‌گیرد و معنی آن را تغییر می‌دهد. در جدول زیر مهم‌ترین پیشوندهای اسپرانتو آورده شده است:

پیشوند	نشان‌دهنده‌ی	کلمه	معنی کلمه	با پیشوند	معنی آن
Bo - -	رابطه‌ی سببی	Patro	پدر	Bopatro	پدرزن/پدرشوهر
Dis - -	توزیع	Doni	دادن	Disdoni	توزیع کردن
Ek - -	شروع	Iri	راه رفتن	Ekiri	راه افتادن
Eks - -	سابق، قبلی	Edzo	شوهر	Eksedzo	شوهر سابق
Ge - -	هر دو جنس	Sinjoro	آقا	Gesinjoroj	آقا(یان) و خانم(ها)
Mal - -	تضاد	Bona	خوب	Malbona	بد
Re - -	تکرار	Vidi	دیدن	Revidi	دوباره دیدن

تمرین: خانه‌های خالی را پر کنید:

patro	پدر	bo.patr.in.o	مادرزن/مادرشوهر
iri	(راه) رفتن	dis.ir.i	
vidi	دیدن	ek.vid.i	
edzo	شوهر، همسر	eks.edz.in.o	
		ge.edz.o.j	
bela	زیبا، قشنگ	mal.bel.a	
doni	دادن	re.don.i	
		re.dis.don.i	
domo	خانه		خانه‌ی قبلی
amiko	دوست		دوست قبلی
			دشمن قبلی

• پیشوند Mis-- نشان‌دهنده‌ی اشتباه یا بد انجام شدن کار یا عملی است، مثل:

Mis--	اشتباهی یا بد	aŭdi	شنیدن	misaŭdi	اشتباه شنیدن
		kompren.i	فهمیدن	mis.kompren.o	سوء تفاهم
		leg.i	خواندن	mis.leg.i	اشتباه خواندن



استفاده از پیشوندها بدون ریشه (تنها با پایانه و آوندهای دیگر):

کلمه	معنی	کلمه	معنی	کلمه	معنی
mis.a	اشتباهی، غلط	ek.i	شروع شدن	mal.a	متضاد
mis.e	اشتباهاً، به غلط	ek.e	ناگهان، یک دفعه	mal.o	تضاد
mis.o	اشتباه، لغزش	ek!	برویم، شروع کنیم!	mal.e	برعکس
mis.i	اشتباه کردن	re.a	تکراری، مجدد	eks.a	قبل، سابق
ge.a	برای هر دو جنس	re.e	مکرراً	eks.e	قبلاً، سابقاً
dis.e	به طور پراکنده	bo.a	سببی	eks!	مُرده باد!
dis.a	پخش، پراکنده	bo.e	به طور سببی	mal.dis.e	به طور متمرکز

• پیشوند --Ĉef نشان دهنده‌ی اصلی بودن و در رأس قرار داشتن است، مثل:

Ĉef-- - اصلی بودن، سر، رأس	ministr.o	وزیر	ĉef.ministr.o	نخست وزیر
	strat.o	خیابان	ĉef.strat.o	خیابان اصلی
	urb.o	شهر	ĉef.urb.o	پایتخت
	artikol.o	مقاله	ĉef.artikol.o	سرمقاله

تمرین: خانه‌های خالی را پر کنید:

Mi mis.aŭd.is vian nom.o.n.	من نام شما را اشتباه شنیدم.
	من صحبت شما را اشتباه فهمیدم.
Li skrib.is belan ĉef.artikol.o.n.	
	شما راه (vojo) را اشتباه رفتید.
Vi mis.leg.is ŝian nomon.	
	راه اصلی

- بسیاری از ریشه‌ی کلمات، یا کلمات تک‌ایستای اسپرانتو می‌توانند مانند پیشوند نیز به کار روند، مثل:

کلمه	معنی آن	مثال 1	ترجمه‌ی مثال 1	مثال 2	ترجمه‌ی مثال 2
hel.a	(نور/رنگ) روشن، کم‌رنگ	hel.kolor.a	(با) رنگِ روشن	hel.ruĝ.a	قرمز روشن/کم‌رنگ
mal.hel.a	(نور/رنگ) تیره، پُررنگ	mal.hel.kolor.a	(با) رنگِ تیره	mal.hel.ruĝ.a	قرمز تیره/پُررنگ
vir.o	مرد	vir.ĉeval.o	اسبِ نر	vir.kat.o	گره‌ی نر
kun	با، همراه‌با، باهم	kun.labor.i	هم‌کاری کردن	kun.ven.o	همایش، کنگره
en	در، درون، داخل	en.ir.i	داخل رفتن، واردشدن	en.spir.o	دَم
el	از (درون به بیرون)	el.ir.i	بیرون رفتن، خارج شدن	el.spir.o	بازدَم

پسوندها، پس از ریشه‌ی کلمه قرار می‌گیرند و در معنی آن تغییر ویژه‌ای می‌دهند، مانند:

پسوند	نشان‌دهنده‌ی	کلمه	معنی کلمه	کلمه با پسوند	معنی آن
--in-	ماده، مؤنث	vir.o	مرد	vir.in.o	زن
--aĵ-	چیز، عینیت	blank.a	سفید	blank.aĵ.o	چیزی سفید، سفیده
--il-	ابزار، وسیله	fot.o	عکس	fot.il.o	دوربین عکاسی
--ist-	شغل، حرفه، پیرو	instru.i	درس دادن	instru.ist.o	معلم، مدرس
--uj-	مخزن	akv.o	آب	akv.uj.o	مخزن/منبع آب
--ej-	محل، جا، مکان	libr.o	کتاب	libr.ej.o	کتاب‌خانه

استفاده از پسوند بدون ریشه (تنها با پایانه و آوندهای دیگر):

کلمه	معنی	کلمه	معنی	کلمه	معنی
in.a	زنانه	uj.o	مخزن	aĵ.o.n	چیزی‌را
in.e	به‌طور زنانه	ej.o	مکان، جا، محل	ej.o.j.n	مکان‌ها را

aĵ.o	چیز، شیء	il.uj.o	جای ابزار	uj.o.j.n	مخازن را
il.o	وسیله، ابزار	il.o.j	ابزار(ها)، وسایل	il.o.j.n	ابزارها را
il.a	ابزاری	uj.o.j	مخزن ها، مخازن	aĵ.o.j.n	چیزها را
il.e	به طور ابزاری	ej.o.j	محلها، امکنه	in.o	ماده، زن

استفاده از چند آوند (پیشوند/پسونند) در یک کلمه:

برای بیان یک مفهوم، ممکن است از یک یا چندین آوند به طور همزمان استفاده شود. به تمرین زیر توجه نمائید.

تمرین: خانه های خالی را پر کنید:

instru.ist.in.o	
mal.bon.aĵ.o.j	
ge.instru.ist.o.j	
vir.in.ist.o = femin.ist.o	
bo.ge.pat.o.j	
	عروسها و دامادها
	مخزن کتاب
	عکاسها

## کلیه‌ی پسوندهای اصلی Ĉiuj Ĉefaj Sufiksoj

پسوند	نشان‌دهنده‌ی	کلمه	معنی کلمه	کلمه با پسوند	معنی آن
- aĉ -	زشتی، خرابی	Vesto	لباس	Vestaĉo	لباس مُندرس
- ad -	استمرار	Parolo	سخن	Parolado	سخنرانی
- aĵ -	عینیت، چیز	Nova	نو، جدید	Novaĵo	چیز نو، خبر (تازه)
- an -	عضویت	Irano	ایران	Iranano	ایرانی، تبعه‌ی ایران
- ar -	مجموعه	Arbo	درخت	Arbaro	جنگل
- ĉj -	صمیمیت (مذکر)	Patro	پدر	Paĉjo	پدرجون، باباجون
- ebl -	امکان، احتمال	Trinki	نوشیدن	Trinkebla	قابل شُرب
- ec -	ذات، ویژگی	Blanka	سفید	Blankeco	سفیدی
- eg -	بزرگی، شدت	Bela	زیبا	Belega	بسیار زیبا
- ej -	محل، جا، مکان	Libro	کتاب	Librejo	کتاب‌خانه

- em -	گرایش، تمایل، مبالغه	Parolo	سخن، حرف	Parolema	پُر حرف، حَرَاف
- er -	جزء، ذره، بخش	Neĝo	برف	Neĝero	دانه‌ی برف
- estr -	ریاست	Ŝipo	کشتی	Ŝipestro	ناخدای کشتی
- et -	کوچکی، خردی	Arbo	درخت	Arbeto	درختچه
- id -	زادگی	Ĉevalo	اسب	Ĉevalido	گُره اسب
- ig -	(وادار) کردن	Blanka	سفید	Blankigi	سفید کردن
- iĝ -	شدن، گشتن	Blanka	سفید	Blankiĝi	سفید شدن
- il -	ابزار، وسیله	Foto	عکس	Fotilo	دوربین عکاسی
- in -	ماده‌بودن، تأنیث	Viro	مرد	Virino	زن
- ind -	شایستگی، سزاواری	Trinki	نوشیدن	Trinkinda	نوشیدنی، گوارا
- ing -	جای واحد چیزی	Kandelo	شمع	Kandelingo	شمعدان، جاشمعی
- ism -	مکتب، آموزه	Kapitalo	سرمایه	Kapitalismo	سرمایه‌داری، کاپیتالیسم
- ist -	پیروی مکتبی، شغل	Kapitalo	سرمایه	Kapitalisto	سرمایه‌دار
		Pano	نان	Panisto	نانوا

- iv -	توانایی، قدرت	Pagi	پرداختن (پول)	Pagiva	قادر به پرداخت، مُسْتَطِيع
- nj -	صمیمیت (مؤنث)	Patrino	مادر	Panjo	مامان جون، مادر جون
- obl -	ضرب، تکثیر	Du	دو	Duobla	دو برابر، دوبر
- on -	تقسیم، بخش	Du	دو	Duona	یک‌دوم، نصف
- op -	دسته، گروه	Du	دو	Duope	دوتا دوتا
- uj -	مخزن، محل	Akvo	آب	Akvujo	مخزن آب
- ul -	شخص، فرد	Sporto	ورزش	Sportulo	(شخص) ورزشکار
- um -	مفاهیم متفاوت	Akvo	آب	Akvumi	آب دادن

• پسوند **--end-** نشان‌دهنده‌ی بایستگی، واجب بودن و ضرورت و لزوم است، مانند:

<b>--end-</b>	لزوم، اجبار، ضرورت، بایستگی	<b>pagi</b>	پرداختن	<b>pagenda</b>	لازم‌الپرداخت
		<b>trinki</b>	نوشیدن	<b>trinkenda</b>	باید نوشیده شود
		<b>diri</b>	گفتن	<b>direnda</b>	باید گفته شود

سه وجه افعال (بودن، شدن، کردن)، یا نحوه‌ی لازم و متعدی کردن افعال:

معنی کلمه	وجه کردن	معنی کلمه	وجه شدن	معنی کلمه	وجه بودن
کردن	ig.i	شدن	iĝ.i	بودن	est.i
به‌وجود آوردن، ایجاد کردن	est.ig.i	به‌وجود آمدن، ایجاد شدن	est.iĝ.i	بودن، وجود داشتن	est.i
سفید کردن	blank.ig.i	سفید شدن	blank.iĝ.i	سفید بودن	blank.i
سالم کردن، شفادادن	san.ig.i	سالم شدن، شفایافتن	san.iĝ.i	سالم بودن	san.i
نشسته کردن، نشاندن	sid.ig.i	نشسته شدن، نشستن	sid.iĝ.i	نشسته بودن	sid.i
سیر کردن	sat.ig.i	سیر شدن	sat.iĝ.i	سیر بودن	sat.i

چند مثال دیگر:

معنی کلمه	وجه کردن	معنی کلمه	وجه شدن	معنی کلمه	وجه بودن
ایستاده کردن، ایستاندن	star.ig.i	ایستاده شدن، بلند شدن	star.iĝ.i	ایستاده بودن، ایستادن	star.i
قرمز کردن	ruĝ.ig.i	قرمز شدن	ruĝ.iĝ.i	قرمز بودن	ruĝ.i
بیمار کردن	mal.san.ig.i	بیمار شدن	mal.san.iĝ.i	بیمار بودن	mal.san.i
گرسنه کردن	mal.sat.ig.i	گرسنه شدن	mal.sat.iĝ.i	گرسنه بودن	mal.sat.i
ادامه دادن	daŭr.ig.i	ادامه داده شدن	daŭr.iĝ.i	ادامه داشتن	daŭr.i
آوردن	ven.ig.i	آورده شدن	ven.iĝ.i	آمدن	ven.i

تمرین: خانه‌های خالی را پر کنید:

معنی کلمه	وجه کردن	معنی کلمه	وجه شدن	معنی کلمه	وجه بودن
	leg.ig.i		leg.iĝ.i	خواندن، مطالعه کردن	leg.i
	blu.ig.i		blu.iĝ.i	آبی بودن	blu.i
	manĝ.ig.i		manĝ.iĝ.i	خوردن	manĝ.i
	trink.ig.i		trink.iĝ.i	نوشتن	trink.i
	vid.ig.i		vid.iĝ.i	دیدن	vid.i
	kon.ig.i		kon.iĝ.i	شناختن	kon.i

تمرین: خانه‌های خالی را پر کنید:

infano	kudyk, byĉĉe	→	parol.iv.a infano	Kudyke qader be tykylom
domo	ĥane	→	dom.aĉ.o	
amiko	dust	→	amik.in.o	
nomo	nam, esm	→	nom.iĝ.i	
amo	eŝq, dusti	→	am.ind.a	
vorto	loqyt	→	vort.ar.o	
domo	ĥane	→	dom.et.o	
domo	ĥane	→	dom.eg.o	
domo	ĥane	→	dom.et.aĉ.o	
domo	ĥane	→		qysre myĥrube
manĝi	ĥordyn	→	manĝ.em.a	
pomo	sib	→	manĝ.ebl.a pomo	
piro	golabi	→	manĝ.ind.a piro	
teo	ĉaj	→	trink.ig.i teo.n	
kafo	qyhve	→	la kafo trink.iĝ.is	
amiko	dust, ryfiq	→	amik.ec.o	
Tehrano*	tehran	→	tehran.an.in.o	

\* مانند دیگر زبان‌هایی که با الفبای لاتین نوشته می‌شوند، در اسپرانتو نیز اسامی خاص (اماکن

جغرافیائی مانند کشورها، شهرها ...) با حروف بزرگ شروع می‌شوند، مثل:

• Tehran.o, London.o, Kaŝan.o, German.io, Iran.o, ...

ولی، هنگامی که از این اسامی صفت، قید یا اسم عام ساخته شود، دیگر با حروف بزرگ نوشته نمی‌شوند:

صفت و موصوف	معنی	قید و فعل	معنی	اسم عام	معنی
tehran.a vetero	آب‌وهوای تهران	tehran.e vivi	زندگی کردن در تهران	Iran.an.o	(فرد) ایرانی
iran.a popolo	مردم ایران	iran.e loĝi	ساکن ایران بودن	tehran.an.o	(شهروند) تهرانی
london.a trafiko	ترافیک لندن	london.e esti	بودن در لندن	kaŝan.an.o	اهل کاشان

german.a lingvo	زبان آلمانی	german.e paroli	(به) آلمانی صحبت کردن	german.o	(فرد) آلمانی
--------------------	-------------	--------------------	--------------------------	----------	--------------

تمرین یک: لطفاً به سوالات زیر پاسخ دهید

- 1- Ĉu vest.aĉ.o estas bela vesto?
- 2- Ĉu dom.aĉ.o estas bona domo?
- 3- Ĉu vi ŝatas parol.ad.ojn?
- 4- Kian nov.aĵ.on vi havas?
- 5- Ĉu vi estas tehran.an.o?
- 6- Ĉu vi estas myŝhyd.an.in.o?
- 7- Ĉu arb.ar.o estas ĝangalo?
- 8- Ĉu altajn arba.ar.ojn vi ŝatas?
- 9- Ĉu varm.eg.a teo estas trink.ebl.a?
- 10- Ĉu varm.et.a kafo (qyhve) estas trink.ind.a?
- 11- Ĉu vi ŝatas blank.ec.on de neĝo (byrf)?
- 12- Ĉu floroj estas belaj, bel.etaj, aŭ bel.egaj?
- 13- Ĉu vi ŝatas bel.egan mal.amikon, aŭ bel.etan amikon?
- 14- Ĉu vi ŝatas ekster.land.an.ojn (Ĥareĝi.ha.ra)?

تمرین دو: به سوالات زیر پاسخ دهید

- 1- Ĉu en larn.ej.o vi instruas?
- 2- Ĉu en librejo vi parolas?
- 3- Ĉu vi estas parol.em.a persono?
- 4- Ĉu vi ŝatas parol.em.ul.ojn?
- 5- Ĉu nun vi em.as paroli pri filozofi.o?
- 6- Kiajn ej.ojn vi preferas? Grandajn aŭ malgrandajn?
- 7- Ĉu vi estas an.o de libr.ejo?
- 8- Ĉu vi havas grandan il.ar.uj.on?
- 9- Ĉu vi havas mult.ajn il.ar.uj.et.ojn en via domo?



## هم کلاسی Sam.klas.an.o

sama	hyman, hym-	→	sam.klas.a	hym.kelasi (sefyt)
koro	qylb, del		kora	qylbi, bateni
nova	noŭ, taze, ĝydid		nov.aĵ.o	ĥybyr, ĉizi noŭ
trovi	jaftyn, pejda kyrdy		trov.iĝ.i	pejda/jaft ŝodyn
feliĉa	ĥoŝbyĥt		feliĉ.eg.a	besjar ĥoŝbyĥt
pensi	fekr kyrdyn		pens.em.a	fykur, motefykker
atingi	nael ŝodyn, residyn		ating.aĵ.o	dystavyrd
kara	yziz, gerami		kar.ul.in.o	myhbube
scii	danestyn		sci.em.a	konĝkav
baldaŭ	be.zudi, zud		baldaŭ.a	aĝel, ynqyrib
studi	tyhsil kyrdyn		stud.anto	mohyssel, daneŝĝu
celo	hydyf		cel.i	hydyf gereftyn
vivo	zendegi, hyjat		viv(o).plena	syrŝar yz zendegi, syrzende

- Saluton al vi, mia kar.eg.a sam.klas.an.o! Kiel vi fartas?
- Saluton, koran dankon, mi fartas tre bone. Kiel fartas vi kaj via am.inda kor.amik.in.o?
- Dankon. Ankaŭ mi kaj Mona fartas eg.e bone. Kian nov.aĵ.on?
- Mi trovis tre bonan vort.ar.on de Esperanto en la inter.reto.
- Bon.ege, kio estas ĝia nomo kaj (inter.)ret.adreso? Ĉu ĝi estas kompleta aro?
- Ĝi nom.iĝ.as Reta Vort.aro (ReVo) kaj ĝia adreso estas [www.reta-vortaro.de/](http://www.reta-vortaro.de/). Jes, mi pensas, ke ĝi estas kompleta vortaro.
- Bon.eg.e, mi ne sciis pri tio.
- Kian novaĵon vi havas? Ĉu vi kaj Mona ge.edz.iĝos baldaŭ?
- Ni vere deziras tion, sed nun ni ne povas ge.edz.iĝ.i\*.
- Mi kore deziras, ke ambaŭ vi baldaŭ atingos al viaj celoj en la vivo.

- Dankon, dankon. Ankaŭ mi deziras bon.aĵ.ojn por vi kaj via kara familio.

- Mi esperas, ke ankaŭ vi feliĉ.iĝ.u en via vivo. Ĝis baldaŭ!

\*چنانچه دو یا چند فعل پشت سر یکدیگر قرار گیرند، فقط فعل نخست زمان دار است، و بقیه به صورت مصدر (یعنی فعل بی زمان، با پایانه ی --می آیند). چند مثال دیگر:

Mi <u>dezir.as studi</u> medicinon.	Myn majelym tyhsil konym pezeŝki.ra.
Li <u>vol.as vidi</u> vin morgaŭ.	U miĥahyd bebinyd ŝoma.ra fyrda.
Ni <u>pov.as fini</u> tion baldaŭ.	Ma mityvanim tymam.konim an.ra be.zud
Mi <u>dezir.us povi vidi</u> tiun filmon.	Myn majel (mi)budym betyvany bebiny an film.ra.

تمرین: لطفا به سوالات زیر پاسخ دهید:

1- Ĉu vi ŝatas manĝi pomon?

○ Ne, mi ne ŝatas manĝi pomon. Mi ŝatas manĝi piron.

2- Ĉu vi deziras studi medicinon?

3- Kion vi deziras studi?

4- Kian ananason vi ŝatas manĝi?

5- Ĉu homoj povas antaŭ.vidi la futur.o.n (ajynde)?

6- Ĉu ili volas iri al Ŝirazo?

7- Kiu deziras antaŭ.vidi la futuron?

8- Ĉu vi deziras studi, aŭ bezonas studi? Kion?

کلمات جدولی یا هم‌بسته‌ها Tabelvortoj aŭ korelativoj

Neni-	I-	Ĉi-	Ki-	Ti-	جدول هم‌بسته‌ها
- هیچ	یک - ی	هر-، همه-	چه-، کدام-	آن-	
Nenio	Io	Ĉio	Kio	Tio	-o
هیچ چیز	(یک) چیزی	هرچیز، همه چیز	چه چیز، کدام چیز	آن چیز	- چیز
Neniu	Iu	Ĉiu	Kiu	Tiu	-u
هیچ کس	(یک) کسی، شخصی	هرکسی، همه(کس)	چه کسی، کدام شخص	آن کس، آن شخص	-کس، - شخص
Nenia	Ia	Ĉia	Kia	Tia	-a
هیچ گونه	(یک) گونه‌ای	هر گونه، همه گونه	چگونه	آن گونه	- گونه
Nenie	Ie	Ĉie	Kie	Ti	-e
(در)هیچ جا	(در)(یک)جایی	(در)هرجا، همه جا	(در) کجا	(در) آن جا	(در) - جا
Nenies	Ies	Ĉies	Kies	Ties	-es
مالِ هیچ کس	مالِ(یک) کسی	مالِ هرکس، مالِ همه	مالِ چه کسی	مالِ آن کس	مالِ - کس
Nenial	Ial	Ĉial	Kial	Tial	-al
به هیچ علت، بدون دلیل	به(یک) علتی، به دلیلی	به هر علت، به هر دلیل	چرا، به چه دلیل	به آن علت	- علت، دلیل، چرایی
Neniel	Iel	Ĉiel	Kiel	Tiel	-el
به هیچ ترتیب، هیچ طور	به ترتیبی	به هر ترتیب، همه طور	به چه ترتیب، چطور	به آن ترتیب، آن طور	- ترتیب، طور
Neniam	Iam	Ĉiam	Kiam	Tiam	-am
هیچ وقت، هیچ گاه، هرگز	یک زمانی، یک وقتی، باری	هر وقت، همیشه، هر گاه	چه وقت، کی، کدام زمان	آن وقت، آن گاه، آن زمان	- وقت، گاه، زمان
Neniom	Iom	Ĉiom	Kiom	Tiom	-om
هیچ قدر، هیچ مقدار	(یک) قدری، مقداری	هر قدر، هر اندازه	(به) چه مقدار، چقدر	(به) آن مقدار، آن قدر	- مقدار، اندازه، قدر

\* چنان چه قبل یا بعد از هریک از همبسته‌های ستون Ti- (که همگی اشاره به دور هستند "آن")،  
واژه‌ی Ĉi آورده شود، اشاره‌ی آن‌ها به نزدیک می‌شود "این"، مثل:

آن چیز = tio	→	این چیز = ĉi tio = tio ĉi
آن گونه = tia	→	این گونه = ĉi tia = tia ĉi

\*\* چنان چه پس از هریک از همبسته‌های سطر U- (که همگی اشاره به فرد، گس و شخص دارند)،  
یک اسم (O--) آورده شود، دیگر اشاره‌ی به فرد، گس یا شخص نخواهند داشت و تبدیل به صفت  
می‌شوند، مثل:

Kiu kantas? = کدام شخص/کی می‌خواند؟	→	Kiu birdo kantas? = کدام پرنده آواز می‌خواند؟
Tiu belas. = آن شخص زیباست.	→	Tiu seĝo belas. = آن صندلی زیباست.

تمرین: لطفاً به سوالات زیر پاسخ دهید

- 1- Kio estas via nomo?
- 2- Kie estas via domo?
- 3- Kia estas via domo?
- 4- Kia.n domon vi ŝatas havi?
- 5- Kiu havas aŭto(mobil)on?
- 6- Kiu birdo kantas?
- 7- Kia kaj kie estas via aŭto?
- 8- Kiu estas vi?
- 9- Kiu domo estas bona? La granda domo aŭ la malgranda domo?
- 10- Kiun tablon vi ŝatas? La altan aŭ la mal.altan?

- 11- Kies libro estas sur la tablo?
- 12- Kies librojn vi ŝatas legi (ĥandyn)?
- 13- Kies filmojn vi deziras vidi/spekti?
- 14- Kiam vi deziras iri al via domo?
- 15- Kiom vi amas viajn ge.patrojn?
- 16- Kial vi tiom amas viajn gepatrojn?
- 17- Kiel vi volas iri al via domo?
- 18- Ĉu ĉie ekzistas/estas bonaj homoj?
- 19- Kies estas ĉi tiuj libroj?
- 20- Kiam vi vidis tiun ĉi filmon?

Kio estas via nomo? اسم شما چیست؟

fari	ynĝam dadyn, kyrdyn	→	bon.far.ant.o	nikukar
aero	hyva		aer.a	hyvai
frato	byradyr		frat.in.o	ĥahyr
mastro	yrbab		dom.mastro	yrbabe ĥane
vetero	(abo)hyva		veter.aĉ.o	(abo)hyvaje byd
hodiaŭ	emruz		hodiaŭ.a	emruzi
polui	alude kyrdyn		polu.iĝ.i	alude ŝodyn
naski	bedonja avyrdyn, zaidyn		nask.iĝ.i	motevyllled ŝodyn
inĝeniero	mohyndes		inĝeniera	mohyndesi
universitato	daneŝgah		universitata	daneŝgahi
ĉar	zira, ĉon(ke)		ĉar.oj	zira.ha, elyl
aĝo	senn		sam.aĝ.a	hymse
--iĝ-	ŝodyn, gyŝtyn		grand.iĝ.i	bozorg ŝodyn
domo	ĥane		flor.dom.o	golĥane
okcidento	qyrb, myqreb, baĥtyr		okcidenta	qyrbi, baĥtyri
veni	amydyn		kun.ven.o	hymajeŝ, bahymad
fermi	bystyn		mal.ferm.i	baz kyrdyn
sed	vyli, ymma, likyn		sed.i	ymma (dyr kar) avyrdyn
jaro	sal		unu.jar.a	jeksale
laboro	kar		labor.ej.o	kargah, myhille kar

**Saluton!**

- Saluton, kiel vi fartas?

**Dankon. Mi fartas bone. Kaj vi?**

- Ankaŭ mi fartas bone. Kor.an dankon.

**Mia nomo estas Ymir. Kio estas via nomo?**

- Mia nomo estas Yhmyd. Yhmyd Izydi. Kio estas via famili.a nomo?

**Mia familia nomo estas Ŝokuhi. Mi havas tri ge.fratojn: unu frat.in.on kaj du fratojn. Kio pri vi?**

- Mi ne havas frat.inon. Mi havas unu fraton.

**Kio estas la nomo de via frato? Kiom aĝas li?**

- Behnam, li nom.iĝas Behnam, kaj li estas 20-jar.a. Kiel nom.iĝas viaj gefratoj? Kiom-aĝaj ili estas?

**Ili.aj nomoj estas Mina, Mehdi kaj Mazijar. Ili estas 20-jara, 24-jara kaj 26-jara, respektiv.e.**

- Kio estas viaj ge.patroj?

**Mia part.ino estas dom.mastr.ino kaj mia patro estas inĝeniero.**

**Kion faras viaj ge.patroj?**

- Mia patrino instruas fizik.on en universitato kaj mia patro laboras en poŝt.ofic.ejo. Hodiaŭ la patr.ino ne iris al la laboro ĉar universitatoj ferm.iĝ.is pro aer.poluo.

**Jes, hodiaŭ la vetero estas tre mal.varma kaj aero estas ege mal.pura. Sed mia patro iris al la labor.ejo.**

- Kie vi nask.iĝ.is? Ĉu en Tehrano?

**Jes, mi nask.iĝis en Tehrano, sed miaj ge.patroj nask.iĝis en Yhvazo.**

- Kiam ili venis al Tehrano? Kie estas via domo?

**Ili venis al Tehrano antaŭ 30 jaroj. Nia domo estas en la okcidenta parto de Tehrano.**

تمرین: لطفا به سوالات زیر پاسخ دهید:

- 1- Kio estas via nomo kaj familia nomo?
- 2- Ĉu via patr.ino estas dom.mastr.ino?
- 3- Ĉu nun vi stud.as en universitato?
- 4- Kie estas via labor.ejo?
- 5- Kiaj estas la aero kaj la vetero hodiaŭ?
- 6- Kie kaj kiam vi nask.iĝis?
- 7- Kiam kaj kie naskiĝis viaj ge.patroj?



## حروف اضافه Prepozici.oj

جدول زیر حاوی تمامی حروف اضافه‌ی اسپرانتو است. طبق قاعده‌ی هشتم از قواعد شانزده‌گانه‌ی اسپرانتو، پس از حروف اضافه، باید حالت فاعلی اسامی یا ضمائر بیاید (نه حالت مفعولی با پایانه‌ی --n). بنابراین، جمله‌ی **Vi iru kun ili!** صحیح است، نه: **Vi iru kun ilin!**

حرف اضافه	معنی آن	مثال	معنی مثال
al	به (طرف)، به سوی	al la domo	به سوی خانه
anstataŭ	به جای، در عوض	anstataŭ mi	به جای من
antaŭ	قبل از، در جلوی، پیش از	antaŭ la domo	در جلوی خانه
apud	(در) کنار، نزدیک	apud la domo	کنار خانه
ĉe	پهلوی، نزد، لب	ĉe la maro	لب دریا
ĉirkaŭ	(در) حدود، اطراف	ĉirkaŭ la urbo	(در) اطراف شهر
da	از (مقدار، اندازه)	glaso da akvo	(به اندازه‌ی) یک لیوان (از) آب
de	کسره‌ی اضافی، از	la domo de la patro	خانه‌ی پدر
dum	در طول، حین، مادامی که	dum li estis tie	مادامی که او آن جا بود
ekster	خارج، بیرون (از)	ekster Tehrano	خارج از تهران
el	از (داخل، درون)	el la sako	از (درون) ساک
en	در، درون، داخل	en la domo	در خانه، درون خانه
ĝis	تا	ĝis la kvara horo	تا ساعت چهار
inter	(در) بین، میان	inter la homoj	در بین انسان‌ها
je	مفاهیم متفاوت	je la tria horo	سر ساعت سه
kontraŭ	ضد، روبروی، علیه، مقابل	kontraŭ la domo	روبروی خانه، مقابل خانه
krom	علاوه بر، غیر از، علاوه بر	krom mi	غیر از من، علاوه بر من
kun	با، به همراه، همراه با	kun li	به همراه او
laŭ	بنابر، له، به عقیده‌ی	laŭ ili	به عقیده‌ی ایشان
malgraŭ	علی رغبت، برخلاف	malgraŭ tio ke	برخلاف آن که
per	به وسیله‌ی، توسط، با	per aŭto	به وسیله‌ی اتومبیل
po	به مقدار، به اندازه‌ی	po 2 kilogramoj	به اندازه‌ی ۲ کیلوگرم
por	برای، در جهت	por paco	برای صلح
post	پس از، بعد از	post 3 horoj	پس از سه ساعت



حرف اضافه	معنی آن	مثال	معنی مثال
preter	از کنار، از جنب	preter tiu domo	از کنار آن خانه
pri	راجع به، درباره‌ی، در مورد	pri tio	راجع به آن
pro	به خاطر	pro homeco	به خاطر انسانیت
sen	بدون، بی، فاقد	sen salo	بدون نمک
sub	زیر، تحت	sub la tablo	زیر میز
super	فوق، بالای، برفراز	Super ni estas la ĉielo.	بالای (سر) ما آسمان است.
sur	روی (سطح)	sur la tapiŝo	روی فرش
tra	از میان، از بین، از بالای	tra la ĝangalo	از میان جنگل
trans	آن طرف، (ما)ورای	trans la rivero	آن طرف رودخانه

در زبان اسپرانتو راه برای ساختن حروف اضافه‌ی جدید نیز از ریشه‌ی کلمات، بسته نیست، به عنوان مثال، می‌توان از واژه‌ی *fari* (به معنی انجام دادن) حرف اضافه‌ی *far* (به معنی انجام شده توسط یا به وسیله‌ی) را فرساخت، و یا از کلمه‌ی *rilato* (رابطه)، حرف اضافه‌ی *rilat* (در رابطه با) را درست کرد.

مانند:

هملت کار شکسپیر	Hamleto far Ŝekspiro
در رابطه با آن چیز بعداً صحبت خواهیم کرد.	Rilat tio, mi parolos poste.

همان طور که در بالا گفته شد، بنابر یکی از قواعد 16 گانه‌ی دستوری زبان اسپرانتو، پس از حروف اضافه، کلمات (اسامی یا ضمائر) با حالت فاعلی می‌آیند، نه با حالت مفعولی (همانند زبان فارسی و برخلاف زبان انگلیسی). مانند:

در اسپرانتو	در فارسی	در انگلیسی
Ir.u kun li.	با او بروید.	Go with <u>him</u> .
Mi dir.is tio.n al ŝi.	من آن را به او گفتم.	I told that to <u>her</u> .
پس از حروف اضافه حالت <u>فاعلی</u> ضمائر می‌آیند.	پس از حروف اضافه حالت <u>فاعلی</u> ضمائر می‌آیند.	پس از حروف اضافه حالت <u>مفعولی</u> ضمائر می‌آیند.

توجه: از این نظر، آن چه در اسپرانتو و فارسی وجود دارد، منطقی است، چراکه اسم یا ضمیر هنگامی که با واسطه (یعنی با حرف اضافه) می‌آیند، دیگر نباید حالت مفعول بی‌واسطه (یعنی بدون حرف اضافه) داشته باشند. به عبارت دیگر، یا باید از حرف اضافه استفاده کرد، یا از حالت مفعول مستقیم (نه هر دوی آن‌ها به طور هم‌زمان).

خارج از ایران Ekster Irano

veni	amydyn	→	ven.igi	avyrdyn
memori	be jad daŝtyn		memoro	hafeze, jad, ĥater
monato	mah (30 ruz)		monata	mah(ij)ane
tamen	ba in voĝud		tamen.a	mywylvysfi
prava	dorost, byr.hyq		prav.ig.i	moheq danestyn
kelk.a	qydri		kelk.a.j	ĉynd(ta), tewdadi
tempo	zyman, vyqt		sam.temp.e	(betoŭre) hymzyman
Angl.io	engelestan		angl.a	engelisi
diri	goftyn		dir.aĵ.o	gofte
ĝoja	ĥoŝ.hal		ĝoj.ig.i	ĥoŝhal kyrdyn
vero	hyqiqyt		ver.am.a	hyqiqyt.dust
lando	keŝvyr, syrzymin		sam.land.an.o	hym.vytyn, hymkeŝvyr

- **Saluton! Mia kara amiko!**
  - **Saluton, kiel vi fartas?**
- **Dankon. Mi fartas bone. Kiel fartas vi kaj viaj famili.an.oj?**
  - **Ankaŭ mi kaj miaj familianoj fartas bone. Kor.an dankon. Ĉu viaj ge.patroj nun estas en Irano?**
- **Jes, ili re.venis el Angl.io. Ili estis tie ĉirkaŭ du monatoj.**
  - **Mi memoras, ke vi iris kun ili antaŭ kelkaj monatoj.**
- **Jes, vi pravas, mi iris kun ili, sed pro mia universitato mi re.venis sen ili antaŭ unu monato.**
  - **Ĉu vi havis bonan tempon ekster Irano? Diru al mi pri Anglio, ĉu mal.varma lando?**
- **Jes, mi havis tre bonan tempon dum mi estis ekster Irano, tamen mi vere ĝojas, ke mi re.venis al Irano, ĉar tie estis tre malvarme.**

## Sol.star.iv.aj Adverboj قیدهای تک‌ایستا

### قیدهای تک‌ایستا

قیدهای تک‌ایستای اسپرانتو عبارت است از:

قید تک‌ایستا	معنی	قید تک‌ایستا	معنی
adiaŭ	خداحافظ	jes	بلی، آری
ajn	باشد، بود (بی تفاوتی)	ju	هر قدر
almenaŭ	لااقل، دست‌کم، حداقل	ĵus	همین الان، لحظه‌ای پیش
ankaŭ	هم، نیز، هم‌چنین	kvazaŭ	گوی، انگار
ankoraŭ	هنوز، هم‌چنان	mem	خودش، خود
apenaŭ	به‌سختی، تقریباً	morgaŭ	فردا
baldaŭ	به‌زودی	ne	نه، خیر
ĉi	این	nun	حال، حالا، اکنون
ĉu	آیا	nur	فقط، تنها
do	پس، بنابراین، در نتیجه	plej	"— ترین"
eĉ	حتی	pli	"— تر"
for	دور، دور دست	plu	باز هم، بیش‌تر، دیگر
hieraŭ	دیروز	preskaŭ	تقریباً، نه کاملاً
hodiaŭ	امروز	tre	خیلی (زیاد)
ja	البته (که)، مطمئناً، بله البته	tro	بیش از حد
jam	(حالا) دیگر، اکنون، هم‌اکنون	tuj	فورا، زود

در اسپرانتو با قیدهای تک‌ایستا - مانند تمامی واژه‌های تک‌ایستای دیگر - می‌توان کلمات پایانه‌دار نیز ساخت، مانند:

<b>adiaŭ.i</b>	<b>ĥoda.hafezi kyrdyn</b>	<b>mem.o</b>	<b>ĥiŝtyn, nyfs, ĥod</b>
<b>hieraŭ.a</b>	<b>diruzi, myrbut be diruz</b>	<b>nun.tempe</b>	<b>dyr hale hazer</b>
<b>jes.i</b>	<b>byle goftyn, tywjid kyrdyn</b>	<b>pli.igi</b>	<b>biŝtyr kyrdyn, yfzudyn</b>
<b>ne.i</b>	<b>nyfj kyrdyn, ĝyvabe mynfi dadyn</b>	<b>tro.igi</b>	<b>mobaleqe/efrat kyrdyn</b>

## Vojaĝo al Ŝirazo سفری به شیراز

dum	dyr teĵje, dyr tule	dum.viv.a	dyr.tule.omr, omri
longa	tyvil, tulani	long.o	tul, deraza
pasi	gozyŝtyn	pas.ig.i	gozyrandyn
vojaĝo	syfyr, mosaferyt	vojaĝ.em.a	mosaferyt.dust
plaĉa	ĥoŝ(ajynd)	mal.plaĉ.a	naĥoŝajynd
gasto	mehman	gast.ig.i	mehman kyrdyr
sana	salem	re.san.ig.i	ŝyfa dadyn
onklo	ymu, daji	onkl.in.o	ymme, ĥale
aŭdi	ŝenidyn	aŭd.ebl.a	qabele.ŝenidyn
knabo	pesyr	knab.in.o	doĥtyr
biologo	zist.ŝenas	kosmo.biologo	zistŝenase keĵhani
kuzo	pesyr.daji, pesyr.ymu	kuz.in.o	doĥtyr.daji, doĥtyr.ymu
nokto	ŝyb	nokt(o).mez.o	nime.ŝyb
el	yz, yz dyrune yz omqe	el.kor.a	yz symime qylb yz tyhe del
mal.varma	syrd	mal.varm.um.o	syрма.ĥordegi
planto	gijah	plant.id.o	nyhale gijah
lasta	aĥyri(n), yĥir	lasta.temp.e	yĥiryn

- Saluton Ara! Kiel vi fartas? Kie vi estis dum tiom longa tempo?

- Saluton Mina, el.koran dankon, mi fartas bon.ege. Mi estis en Ŝirazo por preskaŭ unu monato. Kiel fartas vi kaj via kara familio?

- Dankon. Ankaŭ mi kaj la familio fartas bone. Nur mia mal.pli granda frato, Dara, pas.igis mal.varm.um.on. Kia estis la vojaĝo? Ĉu ŝiraza vetero bonis?

Kie vi tra.noktis? Ĉu en hotelo?

- Bone ke Dara jam re.san.iĝ.is. Tio estis ege bona vojaĝo por mi, ĉar kaj la vetero estis tre plaĉa, kaj ni gastis ĉe mia onklo. Ĉiu.tage mi estis kun la ge.kuzoj.

- Mi tre gajas aŭdi tiel bonajn nov.aĵ.ojn pri vi kaj via plaĉa vojaĝo. Kiom da ge.kuzoj vi havas? Kion ili faras?

- Dankon kara. Mi havas unu kuzon, Behruz, kaj du kuz.inojn, Behnaz kaj Behgÿt. Ĉiuj ili studas en universitato de Ŝirazo.
- Kian nov.aĵon vi havas? Ĉu vi ne vojaĝ.is lasta.tempe?
- Ne mi ne vojaĝis dum la tuta last.jaro. Mi pensas, ke mi jam vidis vian kuzon, Behruz. Ĉu li ne estas tiu knabo, kiu last.jare estis en via nask.iĝ.taga festo?
- Jes, ja vi pravas. Vi bone memoras lin.
- Pri kio li studas?
- Li studas pri biologio. Li ek.de infan.aĝo deziris biolog.iĝi. Li ĉiam amis ĉiajn plantojn.
- Tre interese. Li devas esti ege feliĉa, ĉar li studas tion, kion li vere ŝatas. Bedaŭr.inde mi ne povis studi tion, kion mi vere ŝat.is.
- Kion vi ŝat.us studi?

## اعداد

### Nombroj

اعداد اصلی اسپرانتو عبارت است از:

unu	یک	naŭ	نه
du	دو	dek	ده
tri	سه	cent	صد
kvar	چهار	mil	هزار
kvin	پنج	miliono	میلیون
ses	شش	miliardo (= mil milionoj)	میلیارد
sep	هفت		
ok	هشت	nul (= nulo)	صفر

برای ساختن اعداد اصلی ترکیبی، از این قاعده استفاده می‌شود که: اگر عددی قبل از dek, cent, mil, miliono, miliardo, ... بیاید، در آن ضرب می‌شود، و چنانچه پس از آن قرار گیرد، با آن جمع می‌شود، مانند:

$$\text{dudek} = 2 \times 10 = 20$$

$$\text{dek du} = 10 + 2 = 12$$

$$\text{tridek} = 3 \times 10 = 30$$

$$\text{dek tri} = 10 + 3 = 13$$

$$\text{dudek mil} = 2 \times 10 \times 1000 = 20000 \quad \text{mil dek du} = 10000 + 10 + 2 = 10012$$

$$\text{mil tricent okdek kvar} = 10000 + 3 \times 1000 + 8 \times 10 + 4 = 1384$$

2	mil	2	cent	2	dek	1
3		3		3		3
4		4		4		4
5		5		5		5
6		6		6		6
...		...		...		...
				21 = 2dek 1 = dudek unu		
				331 = 3cent 3dek 3 = tricent tridek unu		
				4444 = 4mil 4cent 4dek 4 = kvarmil kvarcent kvardek kvar		

اعداد ترتیبی (وصفی) و اعداد قیدی

عدد	ترجمه‌ی عدد	عدد ترتیبی	ترجمه	عدد قیدی	ترجمه
unu	یک	unu.a	اولین، نخستین	unu.e	اولاً
du	دو	du.a	دومی، دومین	du.e	دوماً، ثانیاً
dek du	دوازده	dek du.a	دوازدهمی	dek du.e	دوازدهماً
cent	صد، یک‌صد	cent.a	صدمی، صدمین	cent.e	صدماً

تمرین: اعداد زیر را بخوانید و با حروف بنویسید

عدد	عدد به حروف	عدد	عدد به حروف
123	(unu)cent du.dek tri	1887	
1398		1859	
2019		1917	
777		2030	

تمرین: اعداد ترتیبی زیر را بخوانید و با حروف بنویسید

عدد	عدد به حروف	عدد	عدد به حروف
12a	dek du.a	20a	
5a		1000a	

ساختن کلمات دیگر (کلمات ترکیبی) از اعداد

تمرین: خانه‌های خالی را پر کنید:

واژه‌ی اسپرانتو	معنی آن به فارسانتو	واژه‌ی اسپرانتو	معنی آن به فارسانتو
persono	nyfy	du.preson.a	do.nyfyre
ĉambro	otaq	tri.ĉambr.a	
unu.o	vahed	unu.o de long.o	vahede tul
unu.iĝ.i	jeki.ŝodyn, mottyhed ŝodyn	unu.ig.i	jeki.kyrdyn, mottyhed kyrdyn



unu.ec.o	vyhdyt	unu.ec.ig.i	
unu.ec.o	vyhdyt		vyhdyt jaftyn
piedo		kvar.pied.a	ĉ(ah)ar.pa
peco	tekke, qytwe	tri.pec.a	se.tekke

## Ven.u ĉe la Lagon! بیائید کنار دریاچه!



**فعل حرکتی:** بنا بر یکی از قواعد دستوری 16 گانه‌ی اسپرانتو، (مانند زبان آلمانی) مقصد حرکت در جملاتی که فعل آن‌ها دارای حرکت جهت‌دار است، پایانه‌ی مفعولی (N--) می‌گیرند، مانند:

<b>Ir.u en la ĉambro!</b>	راه‌بروید در اتاق! (الآن داخل اتاق هستید)
<b>Ir.u en la ĉambro.n!</b>	بروید در اتاق! (الآن خارج اتاق هستید)
<b>Birdoflug.is en la ĝardeno.</b>	پرنده‌ای پرواز کرد در (داخل) باغ. (از ابتدا در باغ بود)
<b>Birdoflug.is en la ĝardeno.n.</b>	پرنده‌ای پرید (و رفت) توی باغ. (ابتدا در باغ نبود)
<b>La infano saltas sur la lito.</b>	بچه روی تخت (بالا و پائین) می‌جهد.
<b>La infano saltas sur la lito.n.</b>	بچه می‌جهد به‌روی تخت. (تا قبل از آن، روی تخت نبود)

## Novaj Vortoj واژگان جدید

<b>gaja</b>	<b>ŝad, ĥoŝ.ha</b>	→	<b>gaj.ig.a</b>	<b>ĥoŝhal.konynde</b>
<b>fakto</b>	<b>ymr, vaqeijjy</b>		<b>fakte</b>	<b>dyr.vaqew</b>
<b>lago</b>	<b>dyrjaĉe</b>		<b>lag.eto</b>	<b>berke, abgir</b>
<b>promeni</b>	<b>gyrdeŝ kyrdyn</b>		<b>promen.ejo</b>	<b>gyrdeŝgah</b>
<b>ĝuste</b>	<b>dyqiqyn</b>		<b>mal.ĝusta</b>	<b>qylyt, eŝtebah</b>
<b>arto</b>	<b>honyr</b>		<b>art.e.far.it.a</b>	<b>mysnui, honyri</b>
<b>inviti</b>	<b>dywvyt kyrdyn</b>		<b>invit.ilo</b>	<b>dywvyt.name</b>

<b>ludi</b>	<b>bazi kyrdyr</b>	<b>lud.ilo</b>	<b>ysbab.bazi</b>
<b>ebria</b>	<b>(syr)myst, bi.hod</b>	<b>ebri.iga</b>	<b>(syr)myst.konynde</b>
<b>peti</b>	<b>ĥaheŝ kyrdyn</b>	<b>pet.egi</b>	<b>eltemas kyrdyn</b>
<b>nubo</b>	<b>ybr</b>	<b>nub.iĝi</b>	<b>ybri ŝodyn</b>
<b>verda</b>	<b>sybz</b>	<b>verd.ejo</b>	<b>sybze.zar</b>
<b>ĉielo</b>	<b>as(e)man</b>	<b>ĉiel.arko</b>	<b>ryngin.kyman</b>
<b>kvankam</b>	<b>hyr.ĉynd</b>	<b>kvankam.a</b>	<b>hyrĉyndi</b>
<b>monto</b>	<b>kuh</b>	<b>mont.aro</b>	<b>reŝte.kuh</b>
<b>rivero</b>	<b>rud(ĥane)</b>	<b>river.eto</b>	<b>nyhr(e ab)</b>
<b>ŝtono</b>	<b>syng</b>	<b>ŝton.ego</b>	<b>syĥre</b>
<b>folio</b>	<b>byrg, vyryq</b>	<b>foli(um)i</b>	<b>byrg dadyn, vyryq zydyn</b>
<b>proksima</b>	<b>nyzdik</b>	<b>proksim.um.e</b>	<b>tyqribyn</b>
<b>planto</b>	<b>gijah</b>	<b>plant.i</b>	<b>kaŝtyn</b>

- Saluton mia kara amiko, kia bona vetero! Kiel vi fartas en tia vetero?

- Saluton, el.koran dankon, mi fartas ege bone. Fakte la bona vetero tre gaj.igas min. Kiel vi kaj viaj ge.patroj fartas?

- Dankon. Ankaŭ mi kaj la ge.patroj fartas tre bone. Kian nov.aĵ.on?

- La plej bona nov.aĵo estas la bela vetero kaj la pura aero. Ĝuste pro tio, mi petis vin veni ĉe la lagon. Mi ŝat.egas promeni ĉirkaŭ ĝi.

- Jes, ankaŭ mi tre ŝatas la lagon. Kvankam ĝi estas art.e.far.it.a, tamen ĝi estas tre granda kaj bela.

- La blua ĉielo, la blankaj nuboj kaj la proksima ĝangalo ebri.ig.as min.

- Egan dankon por via invito, ankaŭ mi nun havas tre bonan tempon ĉi tie, kun vi, kaj ĉe la lago.

- La lago re.memor.igas al mi pri nia infan.aĝo. Ni ĉiam ludis ĉirkaŭ ĝi. Tiam la arboj estis tre mal.altaj, kaj ne ekzistis multaj plantoj.



## انواع مختلف جمله

### Diversaj Specoj de Frazoj

برای آشنا شدن با ساختار جمله در زبان اسپرانتو، که از انعطاف بسیار زیادی برخوردار است - و ارکان اصلی آن را (فاعل، مفعول و فعل) می‌توان به هر یک از شش حالت ممکن در کنار یک‌دیگر قرار داد، بدون آن که معنی جمله تغییر کند - در این جا به ذکر چند جمله، از انواع گوناگون، همراه با معنی آن اکتفا می‌شود:

نوع جمله	معنی (signifo)	جمله (frazo)
خبری (گذشته، حال و آینده)	دیروز باران بارید، امروز برف می‌آید، فردا آفتابی خواهد بود.	Hieraŭ pluvis, hodiaŭ neĝas, morgaŭ sunos.
تمنایی، خواهشی	لطفا کتابی به من بدهید.	Bonvole donu libron al mi.
خبریِ تعمیمی	همه عاشق صلح و دوستی هستند.	Ĉiuj amas pacon kaj amikecon.
خبری	انسانیت امید بزرگی برای بشریت است.	Homeco estas granda espero por la homaro.
خبری منفی	هیچ جایی بهتر از خانه نیست.	Nenie estas pli bone ol hejme.
خبری منفی	هیچ کسی همه چیز را نمی‌داند.	Neniu scias ĉion.
سوالی	آیا حقیقت پیروز می‌شود؟	Ĉu la vero venkas?
پاسخ مثبت	آری، حقیقت همیشه پیروز می‌شود.	Jes, la vero ĉiam venkas.
سوالی	آیا همه چیز مایوس کننده است؟	Ĉu ĉio estas malesperiga?
پاسخ منفی	خیر، همه چیز هم مایوس کننده نیست.	Ne, ne ĉio estas malesperiga.
سوالی منفی	آیا نمی‌خواهید اسپرانتو را بیاموزید؟	Ĉu vi ne volas lerni Esperanton?
امری	مودب باشید، با این وصف اجازه ندهید دیگران اذیت‌تان کنند.	Estu ĝentila, tamen ne lasu aliajn ĝeni vin.
امری منفی (نهیبی)	تند غذا نخورید!	Ne manĝu rapide!
شرطی ناممکن	اگر او ثروت مند بود، به شما کمک می‌کرد.	Se li estus riĉa, li helpus al vi.
شرطی ممکن	اگر خوب بخوانید، موفق خواهید شد.	Se vi bone studas, vi sukcesigos.
تعجبی	چه چشمان زیبایی!	Kiaj belaj okuloj!

تمرین یک: خانه‌های خالی را پر کنید:

نوع جمله	معنی آن‌ها به فارسی	جملات اسپرانتو
خبری	او ثروتمند است.	Ŝi estas riĉ.a.
سوالی	آیا آن‌ها ثروتمند هستند؟	Ĉu ili estas riĉ.a.j?
پاسخ منفی	خیر، آن‌ها ثروتمند نیستند.	
شرطی ممکن	اگر من ثروتمند شوم، خانه‌ی بزرگی خواهم خرید.	Se mi riĉ.iĝ.os, mi aĉet.os grandan domon.
شرطی غیر ممکن	اگر من درخت بودم، میوه‌هایم را به همه می‌دادم.	Se mi est.us arbo, mi don.us miajn fruktojn al ĉiuj.
		Kiaj altaj arboj!
		Ĉu vi ne manĝis?
	بخورید به اندازه‌ی کافی!	Manĝ.u suffice!
	بازی نکنید زیاد!	Ne lud.u multe!

تمرین دو: خانه‌های خالی را پر کنید:

نوع جمله	معنی آن‌ها به فارسی	جملات اسپرانتو
خبری	دنیا بزرگ است.	La mondo estas grand.a.
سوالی	آیا دنیا بزرگ است؟	
پاسخ منفی	خیر، دنیا بزرگ نیست	
پاسخ مثبت	آری، دنیا بزرگ است.	
	اگر ما مراقب زمین نباشیم، از بین خواهد رفت.	Se ni ne zorg.os pri la tero, ĝi pere.os.
	اگر من دریا بودم، هیچ کسی را غرق نمی‌کردم.	Se mi est.us maro, mi dron.ig.is neniun.
	چه کلمات زیبایی!	Kiaj belaj vortoj!
سوالی منفی		Ĉu vi ne ŝatas pomon?
	آرام (یواش) صحبت کنید!	Parol.u mal.laŭt.e!
	بلند صحبت نکنید!	Ne parol.u laŭt.e!

## راه La Vojo

Tra densa mallumo briletas la celo,  
al kiu kuraĝe ni iras.

Simile al stelo en nokta ĉielo,  
al ni la direkton ĝi diras.

Kaj nin ne timigas la noktaj fantomoj,  
nek batoj de l' sortoj, nek mokoĵ de l' homoj,  
ĉar klara kaj rekta kaj tre difinita  
ĝi estas, la voj' elektita.

Nur rekte, kuraĝe kaj ne flankiĝante,  
ni iru la vojon celitan!  
Eĉ guto malgranda, konstante frapante,  
traboras la monton granitan.

L' espero, l' obstino kaj la pacienco –  
jen estas la signoj, per kies potenco  
ni paŝo post paŝo, post longa laboro,  
atingos la celon en gloro.

Ni semas kaj semas, neniam laciĝas,  
pri l' tempoj estontaj pensante.  
Cent semoj perdiĝas, mil semoj perdiĝas, –  
ni semas kaj semas konstante.

"Ho, ĉesu!" mokante la homoj admonas, –

"Ne ĉesu, ne ĉesu!" en kor' al ni sonas:

"Obstine antaŭen! La nepoj vin benos,  
se vi paciencie eltenos".

Se longa sekeco aŭ ventoj subitaj  
velkantajn foliojn deŝiras,  
ni dankas la venton, kaj, repurigitaj,  
ni forton pli freŝan akiras.

Ne mortos jam nia bravega anaro,  
ĝin jam ne timigos la vento, nek staro,  
obstine ĝi paŝas, provita, hardita,  
al cel' unufoje signita!

Nur rekte, kuraĝe kaj ne flankiĝante  
ni iru la vojon celitan!  
Eĉ guto malgranda, konstante frapante,  
traboras la monton granitan.

L' espero, l' obstino kaj la pacienco –  
jen estas la signoj, per kies potenco  
ni paŝo post paŝo, post longa laboro,

از میان تاریکی انبوه هدفی سوسو می زند،  
که به سوی آن شجاعانه ره می نوردیم.  
همانند ستاره‌ای در آسمان شب،  
مسیر حرکت را به ما مه‌نماید.  
و ما را از اشباح شبانه هراسی نیست،  
و نه از ضربات سرنوشت و تمسخر آدمیان،  
چراکه روشن، مستقیم و کاملاً مشخص است  
راهی که برگزیده‌ایم.

فقط مستقیم، باشهامت و بدون انحراف،  
باید راهی را درنوردیم که هدف گرفته‌ایم!  
قطره‌ای کوچک حتی، با ضربات مداوم خود،  
کوه خارا را سوراخ می‌کند.  
امید، پایداری و شکیبایی –  
نمادهایی است، که با قدرت آن  
گام به گام، پس از کوششی طولانی،  
با جلال و شکوه به هدف‌مان خواهیم رسید.

ما بذر می‌افشانیم و بذر می‌افشانیم، و هرگز خسته  
نمی‌شویم،  
چراکه در اندیشه‌ی زمان‌های آینده‌ایم.  
صدها و هزارها بذر به‌هدر می‌روند، –  
اما ما همچنان بذر می‌افشانیم.

آدمیان تسخرزنان ما را نکوهش می‌کنند که:  
"دیگر بس است!"، –

ولی در قلب ما این ندا طنین می‌اندازد که: "ادامه  
دهید، ادامه دهید!

با پایداری پیش روید، نوادگان‌تان به‌یاری‌تان  
خواهند آمد،  
اگر شما با شکیبایی تحمل کنید".

اگر خشک‌سالی طولانی یا بادهای سهم‌گین  
سبب کنده شدن برگ‌های پژمرده گردند،  
ما باد را سپاس خواهیم گفت و پس از این پیرایش،  
نیروی تازه‌تر می‌یابیم.

یاران بس شجاع ما فنا نخواهند شد،  
نه باد و نه موانع دیگر، ایشان را نخواهد ترساند،  
با پایداری هم‌چنان گام خواهند برداشت، مجرب و آب‌دیده،  
به‌سوی هدفی که یک‌بار (برای همیشه) تعیین شده‌است!

فقط مستقیم، باشهامت و بدون انحراف،  
باید راهی را درنوردیم که هدف گرفته‌ایم!  
قطره‌ای کوچک حتی، با ضربات مداوم خود،  
کوه خارا را سوراخ می‌کند.

امید، پایداری و شکیبایی –  
نمادهایی است، که با قدرت آن  
گام به گام، پس از کوششی طولانی،  
با جلال و شکوه به هدف‌مان خواهیم رسید.

## اصوات

### Interjekci.oj

اصوات یا آواها، که شامل صداواژه‌های مربوط به حیوانات و اشیاء نیز می‌شود، قابل تقسیم‌بندی به انواع گوناگونی است. در جدول زیر تعدادی از اصوات اسپرانتو آمده است:

صوت، آوا یا صداواژه	معنی آن	نوع آن
He!	آهای!	فراخواننده یا ندایی
For!	دور شوید!	دور کننده یا دفع کننده
Ek!	شروع کن! (یا لا!)	تشویق کننده، ترغیب کننده یا تحسین کننده
Aj!	آی! (برای ابراز درد)	بیان‌گر احساس‌های گوناگون
Kurre, kurre	بق بقو	صداواژه‌ی کبوتر
Kva, kva	قور قور	صداواژه‌ی قورباغه
Kvivit, kvivit	جیک جیک	صداواژه‌ی گنجشک
Kluk, kluk!; Glu-glu!	قَلْبُ قَلْبُ	صداواژه‌ی خارج شدن آب از بطری
Pif-paf!	کیو، کیو!	صداواژه‌ی شلیک
Puf!	تَرَقُّ	صداواژه‌ی سقوط یا افتادن
Pum!	شَتَرَقُّ	صداواژه‌ی سقوط از ارتفاعی زیاد
Tik-tak!	تیک تاک	صداواژه‌ی ساعت

نام بسیاری از اصوات یا صداواژه‌های مربوط به حیوانات را می‌توان با **blek.i** به معنی "صدا درآوردن" ساخت، مانند:

ran.bleko	صدای قورباغه (قور قور)
La ranoj blekis dum la tuta nokto.	قورباغه‌ها در تمامی (طول) شب صدا می‌کردند (قور قور می‌کردند).
ĉeval.bleko	صدای اسب (شیهه)
Mi ege ŝatas ĉeval.blek.ad.on.	من خیلی (صدای) شیهه کشیدن اسب را دوست دارم.

## حروف ربط

### Subjekci.oj kaj Konjunkcioj

در جدول زیر حروف ربط یا رابط های اسپرانتو به تفکیک دو نوع رابط های بستگی‌زا (subjunkcioj) و پیوندزا (konjunkcioj)، آمده‌است:

رابط پیوندزا	معنی	رابط بستگی‌زا	معنی
aŭ	یا	ĉar	چون که، از آن جاکه، زیرا
aŭ... aŭ...	یا (این)... یا (آن)...	ĉu	آیا
ĉu... aŭ...	آیا (این شق)... یا (آن شق)...	dum	در حین، ضمن این که، درحینی که
ĉu... ĉu...	چه (این شق)... چه (آن شق)...	ĝis	تا، تا این که، تا وقتی که
ĉar	چون که، از این رو که	ke	که
do	پس، بنابراین	kvankam	اگرچه، با وجود این که، هرچند که
jen... jen...	گاه (این)... گاه (آن)...	kvazaŭ	گوی، انگار (که)، گوئیا
kaj	و، به علاوه	se	اگر، در صورتی که،

			هرگاه، چنان چه
kaj... kaj...	هم (این)... هم (آن)...	se eĉ = eĉ se	حتی اگر، اگر حتی
minus (-)	منهای (-)	nur se	فقط اگر، اگر فقط
sed ne nur... ankaŭ	نه فقط... بلکه هم چنین ...		
nek	و نه، هم نه، هم چنین نه		
nek... nek...	نه (این)... نه (آن)...		
nu	خب		
ol	از (برای مقایسه)		
plus (+)	به علاوه ی (+)		
sed	اما، ولی، بلکه، لیکن		
tamen	با وصف این، با وجود این		



به مثال‌های زیر دقت کنید و خانه‌های خالی را نیز پر نمائید:

Mi amas kaj mian patron kaj mia patrino.	من، هم پدرم را دوست دارم، هم مادرم را.
Kaj vi, kaj ŝi, estas tre bonaj homoj.	
Nek mi, nek mia patrino ŝatas televidilon.	نه من، نه مادرم تلویزیون را دوست نداریم.
Mi nek manĝas viandon, nek trinkas lakton.	
Kvankam mi satas, tamen mi deziras manĝi tion.	هرچند من سیر هستم، باین وجود مایلیم آن را بخورم.
Kvankam malvarmas, tamen mi deziras iri al la ĝangalo.	
Ĉu pluvos, ĉu ne, mi iros por promen.ado.	چه باران بیارد، چه نه، من برای قدم‌زدن (گردش) خواهم رفت.
Aŭ vi, aŭ via fratino iru al la universitato.	
Li parolis kun mi tiel, kvazaŭ li estas mia patro.	او با من آن‌طور صحبت کرد، انگار پدر من است.
Ne nur ŝi, sed ankaŭ ŝia familio pensas tiel.	
Hodiaŭ la ĉielo estis jen suna, je nuba.	امروز آسمان گاه آفتابی بود، گاه ابری.
Eĉ se vi ne konsentas, mi faros tion.	حتی اگر شما موافق نباشید، من آن کار را انجام خواهم داد.
Se vi venos al lia domo, ankaŭ mi venos.	اگر شما بیائید به خانه‌ی او، من هم خواهم آمد.
Mi ne povas kompreni, ke ĉu tio veras, aŭ ne.	من نمی‌توانم بفهمم، که آیا آن (چیز) حقیقت دارد، یا خیر.

## Espero امید

En la mondon venis nova sento,  
Tra la mondo iras forta voko;  
Perflugiloj de facila vento  
Nun de loko flugu ĝi al loko.

حسی نو در جهان پدیدار گشته،  
ندایی نیرومند دنیا را در می‌نوردد؛  
بر بال‌های بادی سبک‌پوی  
کنون باید از جایی به دیگر جای به پرواز درآید.

Ne al glavo sangon soifanta  
Ĝi la homan tiras familion:  
Al la mond' eterne militanta  
Ĝi promesas sanktan harmonion.

نه به سوی شمشیری تشنه به خون  
خانواده‌ی بشری را می‌کشاند:  
که به دنیایی که همیشه در جنگ است  
مژده‌ی هماهنگی‌ای مقدس را می‌دهد.

Sub la sankta signo de l' espero  
Kolektiĝas pacaj batalantoj,  
Kaj rapide kreskas la afero  
Per laboro de la esperantoj.

در پای نشانه‌ی مقدس امید  
مبارزان صلح گرد هم می‌آیند،  
و کار ما به سرعت رشد می‌کند  
به یاری کوششی امیدواران.

Forte staras muroj de jarmiloj  
Inter la popoloj dividitaj;  
Sed dissaltos la obstinaj baroj,  
Per la sankta amo disbatitaj.

دیوارهای هزاران ساله با قدرت تمام  
مابین مردمان جدایی افکنده‌است؛  
اما همدی این موانع سهم‌گین از میان برداشته خواهد شد،  
به یاری این عشق مقدس.

Sur neŭtrala lingva fundamento,  
Komprenante unu la alian,  
La popoloj faros en konsento  
Unu grandan rondon familian.

بر بنیاد زبانی بی‌طرف،  
و با تفاهمی متقابل،  
مردمان با هم‌سویی بوجود خواهند آورد  
یک جمع خانوادگی عظیم را.

Nia diligenta kolegaro  
En laboro paca ne laciĝos,  
Ĝis la bela sonĝo de l' homaro  
Por eterna ben' efektiviĝos.

هم‌یاران هوشیار ما  
در کار صلح‌طلبانه‌ی خویش خسته نخواهند شد  
تا هنگامی که این رؤیای زیبای بشریت  
برای وصول به برکتی جاودانه تحقق یابد.





Elementa Kurso de  
**Internacia Lingvo Esperanto**

**Aprobata kaj rekomendita per Unesko por enkondukado  
kaj instruado en la lernejoj kaj universitatoj de la mondo**

**Instruisto: Inĝ. Ahmadreza Mamduhi**

**Ĉefdelegito de Universala Esperanto-Asocio (en oficialaj rilatoj  
kun UN kaj Unesko) en Irano**

**La oka revizio: Septembro 2020**